



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

سال سوم

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹ / شماره ۲۵



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت

مدیر مسئول:

در حال تغییر

سر دبیران:

علی مهری، رحیم حمزه

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی،

نرسیده به خیابان آزادی، بن بست خلیلی

پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

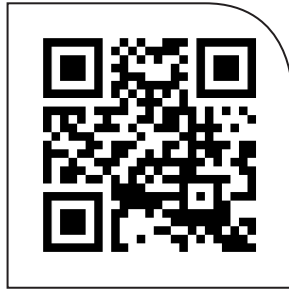
تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



۵



به دنبال نامه دبیرکل حزب اراده ملت مبنی بر خروج از شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به اعضای شورا و به دنبال آن نیز انتشار بیانیه راهبردی ...

۱۳



مطالبات محلی شعب شهرستانی

حزب اراده ملت

وقتی قانون گذار قانونی را وضع نمود و به تصویب رساند کار قانون گذار و قانون گذاری تمام می شود. مهم ترین نکته «فردای بعد از قانون» است.

۱۸



مطالبات زنان

معمولاً در بحث های مربوط به زنان آسیب پذیر، بر موضوع سرپرست بودن یا نبودن مانور زیادی داده می شود به طوری که رایج ترین دسته بندی های این قشر از جامعه را برحسب ...

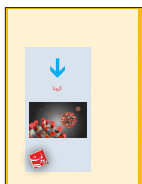
۲۳



چین و ماچین

سخن از قرارداد ۲۵ ساله با چین که شد طیفی از تحلیل های مخالف و موافق راه افتاد که این قرارداد چنین و چنان خواهد کرد. هر کسی از ظن خود، با یا بر این قرارداد موضعی اتخاذ کرد.

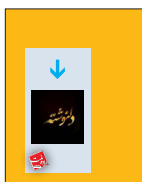
۲۵



کرونا

در بحران ایجاد شده توسط ویروس کرونا، نظام سلامت کشور با تمام قوا وارد ماجرا شد. اما به علت ساختار موجود در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، درمان بخش وسیع تری را ...

۲۹



دلنویسته

در اواخر دوره حکومت صدام تحریم ها در عراق بسیار تشدید شد. هنوز اسرا در عراق بودند که نگهبان ها حلب های روغن ایرانی را نشان ما می دادند که بر روی آن ها کلمات فارسی ...

۳۱



اخبار حزب

فقط ۷ درصدند و البته حفظ و افزایش همین تک رقم در پویایی پوسته های احزاب سیاسی در ایران گامی روبه جلو برای حضور جدی تر زنان در فرایند تصمیم گیری های تشکیلاتی است ...



مقاله

سر مقاله

رئیس جمهوری نظامی تابو یا عادی؟!

دکتر سید قائم موسوی

در حالی که کشور در گیر دوره‌ی گذار از بی ثباتی بغرنج ناشی از تلاقی فشارهای خارجی و سوءمدیریت‌های داخلی است و تمام تلاشش را در چنجه‌ی دوره ناهت پس از طوفان تحریم‌ها گذاشته است، مسئله‌ای تحت عنوان امکان یا امتناع ریاست جمهوری نظامی در محافل سیاسی به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. عده‌ای آن را مغایر با قانون اساسی و نص صریح رهنمون‌های بنیان گذار نظام می‌دانند. از نقطه نظر مسائل توسعه دموکراسی نیز آن را منفی ارزیابی و ریاست جمهوری نظامی را تکمیل پازل دولت بنیادریسم در ایران ارزیابی می‌کنند. پروسه‌ای که از اواخر جنگ هشت ساله عراق و ایران آغاز شد، در دوره احمدی نژاد اوج گرفت و بعد از وقفه‌ای کوتاه در دوره ریاست جمهوری روحانی با پروژه انتخابات مجلس مجدداً از سر گرفته شد.

مخالفان مدعی هستند که این پروژه منجر به تمرکز قدرت و یکپارچه سازی ساحت سیاست در دستان جناح خاصی خواهد شد و این امر در نهایت بیش از پیش به تضعیف جمهوری نظام منجر خواهد شد. بعلاوه امر سیاسی را متفاوت از امر نظامی می‌دانند و معتقدند که حکومت نظامیان نه تنها به بهبودی شرایط مددی نمی‌رساند بلکه موجب اختلال بیشتر امور می‌شود. آن‌ها خویشتر داری لازم را برای مواجهه با منتقدین و معترضین کف جامعه ندارند. تفکیک قوا و ضرورت تخصص ایجاب می‌کند که نظامیان در امور فنی و تخصصی مربوط به خودشان ایفای نقش نمایند. در مجموع منتقدین حضور نظامیان را در سیاست و به ویژه ریاست جمهوری به ضرر نظام در وهله‌ی نخست و خسران خودشان در مرحله دوم می‌دانند.

در مقابل، موافقان حضور نظامیان در انتخابات ریاست جمهوری از دو منظر متفاوت برای ایده‌ی خودشان استدلال می‌چینند. اشتراک نظر در یک مسئله با اهداف متفاوت! بخش نخست بحث می‌کنند که مگر تاکنون نظامیان در مصادر امور نبودند؟ الان نیز همه‌ی فعل و انفعالات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مملکت با کارگردانی نظامیان می‌چرخد. امور مطابق سیاست‌های آنان تمشیت می‌شود، اما خود در پشت پرده قرار دارند. گذشته از این اینکه همه مسئولان طراز اول بک‌گراند نظامی دارند. با این مقدمه آن‌ها اظهار می‌دارند به نفع جامعه و سیستم هست که نقش آن‌ها ظاهر شود و به صورت رسمی متولی امور شوند. در فاز اول آن‌ها آفتابی نیستند و بر همین اساس مسئولیتی در وخامت مسائل نمی‌پذیرند، تازه دست پیش می‌گیرند و منتقد شرایط موجود هم می‌شوند. شرایطی که خود دست بالایی در موجودیت آن دارند. در عوض وقتی به صورت رسمی در مصادر امور قرار می‌گیرند، هم آزمایش خود را پس می‌دهند و هم نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. هر چند منتقدین این ایده خواهند گفت؛ مگر آن‌ها امروز مسئولیت می‌پذیرند که فردای مسئولیت، پاسخگو باشند.

بخش دوم وخامت اوضاع را ناشی از سوءمدیریت عوامل اجرایی و ناکارآمدی آنان می‌دانند و مدعی هستند که با توجه به موفقیت نظامیان در امور تخصصی و پیشرفت حوزه‌های نظامی، آن‌ها قادر هستند با انگیزه و پشت کاری که دارند اینجانبز تحول ایجاد نموده و منشأ پیشرفت کشور شوند. حالا بگذریم از استدلال‌های سطحی افرادی که مثلاً می‌گفتند چطور نظامیان می‌توانند شهید شوند ولی نمی‌شود که رئیس جمهور شوند. البته موافقان نیم‌نگاهی به دوره گذار نیز دارند. آن‌ها تمرکز و تثبیت قدرت را برای مدیریت حواشی احتمالی آن لازم می‌دانند. موافقان این نظر یک این‌همانی و ساده سازی مبتدیان‌های بین ساحت نظامی و صورت بندی امور اجتماعی و سیاسی انجام می‌دهند و به سادگی فرض را بر این می‌گذارند که به تقریب چون نظامیان در آنجا موفق بودند، بدون تردید با مدیریت امور سیاسی - اجتماعی اینجانبز بر بحران‌های جامعه فائق خواهند آمد و با تعبیری مانند «دولت انقلابی جوان» ایده آل خودشان را نشان می‌دهند. این نگاه مکانیکی بدون تردید ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های اجتماع را نادیده می‌گیرد و از حافظه‌ی کوتاه مدتی نیز برخوردار است. آن‌ها دوره ۸ ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد را یا نمی‌بینند یا آن را به عمد قابل اغماض می‌دانند.



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۵
هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

این در حالی است که به واسطه بحران های درهم تنیده، طرح های مدیریت شده، قالبی و آنتیک مجلس، فشرده سازی قانون انتخابات و سردرگمی نیروهای سیاسی کم و کیف این انتخابات به عوامل غیر شفاف و متعددی گره خورده است. تجربه ای انتخابات مجلس انتخاباتی بی رمق را نوید می دهد. مردم خسته و ناامید استقبالی نخواهند کرد. مردم به هیچ «تکرار میکنم»ی توجه نخواهند کرد. کاندیدا اجازه در رحم اصلاحات، سرمایه اجتماعی آن ها را سوزاند. اکنون نیز هم حضور و هم عدم حضور بازی دو سر باخت برایشان است. با حضور بازی را می بازند و با عدم حضور، لیگ را از دست می دهند. البته به صلاح هست که بازی را ببازند تا با دستاویز تحریم و کناره گیری، از لیگ سیاست حذف شوند. برای اصول گرایان اما امری است که بار منفی و مثبت هم زمانی را به صورت متناقض در خود حمل می کند. انتخابات کم رنگ در کلیت کار، برای مشروعیت دموکراسی انتخاباتی نظام آسیب جدی تلقی می شود اما همین امر خود ضامن موفقیت این جناح خواهد شد و آن ها مجدداً آخرین و مهم ترین خانه ی پازل حاکمیت را فتح می کنند چه با کاندیدای نظامی چه بی کاندیدای نظامی.

این امر الزاماً غیر مفید نیست اگر اراده ای محکم و متمرکز برای حل و فصل بحران های جدی کشور به ویژه در حوزه سیاست خارجی بنا نماید. اگر عقلانیتی ایجاد نماید که بتواند پرونده های زیان بار خارجی را مختومه کند. آن وقت گوی و میدان در اختیار آن هاست.

دود منطق باینری در چشم منافع ملی

- سال هاست که هژمونی منطق کلاسیک بر سپهر سیاسی ایران دو قطبی های هزینه بری را بر کشور تحمیل کرده است. این دو قطبی به تمامی شئون کشور را درگیر خودش کرده است.

- خودی - غیر خودی، انقلابی - ضد انقلابی، داخلی - خارجی، مذاکره - عدم مذاکره، گرگ - گوسفند و قس علی هذا!

گزاره هایی مانند این جمله را در نظر بگیرید: آن ها که از مذاکره صحبت می کنند، یا احمق اند یا خائن!

- تازه از نظر خودشان توصیف حامیان حل و فصل اختلافات از رهگذر حماقت، نوعی خوش بینی نسبت به آن هاست و این تساهل را باید نقطه ی مثبتی به حساب آورند. بروند شاگرد باشند که کمی در مورد آن ها تساهل به خرج دادند. فی الواقع در ضمیر آن ها، این عده همان ایادی خائنی هستند که در راستای منافع استکبار و استعمار در داخل پادوئی می کنند و دنباله ی آن ها محسوب می شوند.

- دوگانه سازی و استیلای ذهنیت قطب گرایی جوهر و مشخصه ی اساسی منطق کلاسیک ارسطویی است. احمق یا خائن! سفید یا سیاه! روز یا شب! در مسلک آن ها نمی شود کسی بر مبنای جنبه های معرفت شناختی و نشانه های عینی آنچه در کشور می گذرد و بر همه عیان است، ایده ای غیر از نظر آن ها داشته باشد و خائن یا احمق نباشند! رمز موفقیت، نگاه به داخل است. نمی شود رمز موفقیت نگاه به داخل و خارج توأمان باشد؟! نمی شود هم از فرصت های داخلی استفاده کرد و هم از فرصت های خارجی!

- بی توجهی به چندوجهی بودن مسائل و اصرار بر این یا آن موجب می شود که دست آخر همین این آسیب ببیند همان آن! از اینجا رانده از آنجا مانده!

- ساده ترین فرمول برای پاک کردن صورت مسئله و فراتر از آن خلع سلاح منتقدین توسل به مکانیزم منطق دو ارزشی است. این منطق که وارث ارسطوست، قرن هاست گریبان بشر را گرفته است و خسارت های بی شماری را به انسانیت تحمیل کرده است. یا با ما یا علیه ما. هر کس با ما نیست، قهراً علیه ماست! میانه ای در کار نیست! این منطق از ریز ترین تعاملات شخصی تا کلان ترین مسائل بشری را در بر می گیرد!

- بحران سیاست خارجی و مذاکره در قاموس ادبیات سیاسی ایران اکنون به یک مفهوم «مسئله ساز» تبدیل شده است. تحلیل روان شناختی آن از سابقه ی ذهنی و حافظه ی تاریخی ایرانیان نشئت می گیرد. به عقب که برگردیم تلقی ایرانیان از مذاکره به شدت پهلوی به «سازش» می زند. مفهومی که به شدت بار ارزشی منفی پیدا کرد. سازش به معنی توافق پیرامون مشکل طرفینی معنی نمی شود، بلکه مراد از سازش، تسلیم است.

- بر همین مبناست که ایران تا مجبور نشد، سر هیچ میز مذاکره ای ننشست. هر چه خسران متوجه تمامیت ارضی و منافع ملی کشور شد، نیز از رهگذر همین دتر مینیسیم مذاکراتی بوده است. تمامی معاهدات و قراردادهای تاریخی ایران را تورق کنید، رد پای بی توجهی به عنصر زمان و ضرورت (ناچاری از) مذاکره در شرایط نابرابر، مبرهن و برجسته است. برای نمونه، مضمون قطعنامه ۵۹۸ اگر بعد از فتح خرمشهر پذیرفته می شد، چقدر متفاوت بود یا بحران گروگان گیری اگر در هفته های اول رفع می شد چقدر تفاوت داشت؟! و...

- کسانی که قائل به حل و فصل مشکلات سیاست خارجی کشور از کانال دیپلماسی هستند، نه احمق اند و نه خائن! برعکس هم عاقل اند و هم میهن دوست! منطق نگاه شان نیز به شدت منبعث از آیت های واقعیات عینی کشور است. می بینند زیر پوست شهر، تورم، فقر، فساد، اشتغال، فشار تحریم ها چگونه بر سر مردم آوار شده اند! می بینند که فلاکت اقتصادی و قیمت های مرغ و تخم مرغ و روغن روند معمولی زندگی شان را به هم ریخته است! مسئولان نیز برای شکم های گرسنه ابوعطا می خوانند! ابوعطایی هایی بر شالوده ی سالوس و تناقض! مردم را به تحمل رنج فرا می خوانند، خود اما زندگی فاخرانه دارند!

- به نظر می رسد بهترین تدبیر (علی رغم نظر نگارنده) برای فهماندن نادرستی منطق نهفته در دوگانه ی احمق - خائن، استفاده از آنتروپی همین منطق علیه خودش است. چیزی که در اظهارات آقای مطهری تا اندازه ای مستتر است!

هر کس از فرصت مذاکره و تنش زدایی در سیاست خارجی برای نجات مردم از این همه فشار و آشفتگی اقتصادی استفاده نکند؛ یا احمق است یا خائن! یا احمق است و فرصت ها را می سوزاند، یا خائن است و عامداً علیه مردم و منافع ملی رفتار می کند!



افشین فرهانچی قائم مقام دبیر کل و رئیس ستاد انتخاباتی حزب اراده ملت ایران در گفتگو با هفته نامه اراده ملت تحزب، انتخابات و برنامه های انتخاباتی حزب اراده ملت ایران

افشین فرهانچی متولد سال ۱۳۴۹ در همدان و متخصص بیهوشی و مراقبت های ویژه و استادیار دانشگاه علوم پزشکی ابن سینای این شهر مشغول فعالیت اند. وی فعالیت های اجتماعی خود را در قالب سازمان های مردم نهاد از سال ۱۳۷۳ و کنش ورزی خود را در حوزه سیاسی از سال ۱۳۸۶ در همکاری با حزب مشارکت و شورای هماهنگی احزاب اصلاح طلب استان همدان شروع و در مقطعی نیز با انجمن اسلامی جامعه پزشکی همکاری داشتند. ایشان از تابستان ۱۳۹۲ رسماً عضو حزب اراده ملت ایران شدند و در بهمن ماه سال ۱۳۹۳ به شورای مرکزی حزب راه پیدا کردند. در سال ۱۳۹۷ مسئولیت قائم مقامی دبیر کل بر عهده ایشان گذاشته شده و کماکان در این مسئولیت ایفای نقش می کنند. ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. به نظر شما، مهم ترین کارویژه های احزاب در جوامع امروزی خصوصاً ایران کدام ها هستند؟

برای احزاب کارویژه های مهم و متعددی تعریف شده است ولی من در شرایط امروز ایران کارویژه های زیر را مهم تر و ضروری می دانم:

- تحلیل و تبیین وضعیت جامعه و ریشه یابی مسائل و مشکلات و ارائه این تحلیل ها با هدف آگاهی رسانی عمومی به آحاد مختلف جامعه
- جمع بندی، اولویت بندی و منظم سازی مطالبات اقشار مختلف جامعه و انعکاس آن ها به مجموعه های حاکمیتی
- پیگیری منافع و مطالبات گروه ها و طبقات مختلف اجتماعی با توجه به ماهیت حزب
- ایجاد ساختارهای تشکیلاتی مناسب برای تربیت نیروهای ورزیده، هدفمند، حائز تفکر سیستماتیک و علمی برای کنش ورزی سیاسی
- ارائه برنامه ها و راهکارهای چند سطحی و زمان بندی شده برای حل مشکلات و چالش های موجود در کشور

به نظر شما، آیا تحزب در ایران کارآمد و مؤثر می باشد؟

برای کارآمدی و اثربخشی احزاب در یک جامعه جدا از توانمندی احزاب لازم است که ساختار حقوقی قدرت نیز مناسب این موضوع باشد. حاکمیت در ادوار مختلف و با شیوه های مختلف جلو شکل گیری یک ساختار حقوقی مبتنی بر احزاب را گرفته و در نتیجه احزاب نتوانسته اند در بعضی از کارویژه ها توانمندی و کارآمدی خود را بروز دهند. از سوی دیگر برای کارآمد بودن نهادی شبیه به احزاب خصوصاً با توجه به کارویژه هایی که در بخش های قبلی به آن اشاره شد، به زمانی برای ثبات و جافاقتان نیاز است. سرکوب های ممتد و دوره های طولانی انسداد فضای سیاسی مانع از بلوغ احزاب در ایران و رسیدن به عالی ترین سطوح کارکردی شده است. از نظر توان خود احزاب، طبعاً احزاب نظیر دانشگاه ها با نیروهای قدرتمندی که در اختیار دارند می توانند بسیار مؤثر باشند اما به علت مشکل اولی که ذکر کردم این توان و قدرت فعلاً بروز نکرده است و ناگزیر احزاب درگیر مسائل حاشیه ای و فرسایشی شده اند.

رابطه بین مردم و احزاب را چگونه ارزیابی می کنید؟

استقبال عمومی مردم از احزاب در صدسال تاریخ تحزب در ایران خوب بوده است و درک نسبتاً دقیق و مثبتی نسبت به احزاب دارند ولی محدودیت ها و فشارهایی که بر فعالین حزبی وارد می شود باعث شده است که برای ورود به احزاب و کنش ورزی سیاسی در قالب احزاب بسیار محتاط باشند. سابقه تعطیل و انحلال احزاب و مشکلاتی هم که برای فعالین حزبی ایجاد می شود باعث شده که اقبال عمومی مردم به احزاب کم باشد.

اما بیشتر مشکل احزاب با نخبگان جامعه است که به علت های مختلف ترجیح می دهند هم در سیاست مداخله کنند و هم رد پای از خود بجا گذارند. این قشر از جامعه معمولاً ترجیح می دهند که در احزاب نباشند و تبعات کار حزبی را نپذیرند ولی اگر فعالیت حزبی به نتیجه رسید برای خود اندوخته ای دست و پا کنند و چون حاکمیت در سال های متمادی نشان داده در مسئولیت های کلیدی مایل است از افراد مواج استفاده کند، این نخبگان، حزب را به نوعی عامل محدودیت برای خود می دانند و تن به کار حزبی و تشکیلاتی نمی دهند. شما وقتی در حزبی وارد می شوید مجبور هستید یک چهارچوب مشخص را بپذیرید و در ادامه نسبت به آن پاسخگو باشید لذا این جنس از نخبگان برای فرار از پاسخگویی ترجیح می دهند به طور واضح و مستقیم در احزاب حضور نیابند.

ارزیابی شما به عنوان قائم مقام حزب اراده ملت ایران از این حزب چیست؟ آیا این حزب می تواند تأثیر گذار باشد؟

حزب اراده ملت ایران در ابتدای تأسیس یک آسیب شناسی واضح و مشخص از وضعیت ایران داشته و بر این اساس، حزب بر پایه یک تئوری مشخص شکل گرفته است. در ادامه کار نیز یک ساختار دقیق و غیر متمرکز را پی ریزی کرده و بر پایه مبانی نظری مشخصی در طی این سال ها حرکت کرده است. اما به دلایل پیش گفته و مشکلات کار حزبی در ایران تعداد نیروهای فعال و مؤثر آن بسیار کم است و هنوز نتوانسته تأثیری در سپهر سیاسی ایران بگذارد. اقداماتی که در سال های اخیر در این حزب انجام شده، همه، نمونه های بسیار جالب و کم نظیر در احزاب متأخر ایران هستند و اگر فضای مناسبی برای فعالیت پیدا کند مطمئناً می تواند پاسخگوی بخشی از مسائل و مشکلات ایران باشد. تمرکززدایی، کار دقیق حوزه ای، برنامه محوری، تنوع رسانه ای، شهرستان محوری، توجه به اقلیت ها و مسائل زنان و جوانان همه بنیان هایی هستند که اگر همراه با فضای مناسب کار حزبی شوند می توان انتظار یک شکوفایی را از این حزب داشت.

اگر موافق باشید به بحث انتخابات بپردازیم. شما چند هفته قبل مسئول ستاد انتخابات حزب شده اید، از نظر استقبال مردمی و سیاسیون، انتخابات ۱۴۰۰ را چگونه پیش بینی می کنید؟

با توجه به مدت زمان نسبتاً طولانی که تا انتخابات مانده جواب این سؤال را نمی توان دقیق داد. ولی در حال حاضر و بر اساس ارتباطی که با اقشار مختلف جامعه دارم میزان استقبال مردم از انتخابات پائین خواهد بود. انتخابات مجلس نیز موید همین داستان است اما سیاسیون و احزاب بر اساس شناخت دقیق تری که از جامعه ایران و روندهای انتخاباتی دارند و با توجه به دخیل بودن پارامترهای متعدد در این امر، امیدوار هستند انتخابات پرشوری صورت گیرد و منویات مردم به منصفه ظهور برسد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

اگر انتخابات از شور کمی بر خوردار باشد دلایل را چه می دانید؟

من مهم ترین دلایل را در سه موضوع کم اثر بودن منتخبین، نبود آزادی در انتخاب نامزدها و باور مردم به مؤثر بودن تحولات جهانی در امور ایران می دانم. کم اثر بودن به این معنی که به تدریج مشخص شده حیطه عمل نهادهای انتخابی نظیر ریاست جمهوری یا شورا در برابر نهادهای دیگر بسیار کم است در حالی که انتظار مردم از این نهادها بسیار بیشتر از این است و دوم اینکه مکانیسم تأیید صلاحیت نامزدها باعث شده اقشار وسیعی از مردم نامزد مناسب با عقاید و دیدگاه های خود را نتوانند در بین محدود نامزدهای تأیید صلاحیت شده ببینند و این جدا از رأی دادن یا ندادن شور انتخاباتی را کاهش می دهد و دلیل سوم اینکه با توجه به اتفاقات سال های اخیر بسیاری از مردم مسائل داخلی ایران را تابعی از مسائل بین المللی می دانند و خیلی انتخابات های داخلی را مهم نمی دانند. در این مورد انتخاب آقای ترامپ بعد از آقای اوباما و تبعات بعدی این تغییر، در عمل درستی نسبی این عقیده را نشان داد.

چگونه می توان مردم را با صندوق های رأی آشتی داد؟

لزومی ندارد در این زمینه فردی یا افرادی کاری انجام دهند. اگر انتخابات به شیوه مناسب و کلاسیک برگزار شود خود مردم مطمئناً مشارکت خواهند کرد. فقط باید الزامات انتخابات رعایت شود و گرنه این لطفی نیست که حاکمیت در حق مردم انجام دهد. انتخابات از آن مردم و برای مردم است. متأسفانه از همان ابتدای شکل گیری نهاد انتخابات در زمان مشروطیت، این تصور در حاکمیت به وجود آمد که این وسیله ای است که حاکمان در اختیار مردم قرار می دهند و این حق را دارند که به شیوه های مختلف در آن دخل و تصرف کنند. ما مردم حق داریم هر کس را که صلاح می دانیم به عنوان منتخب خود برای مدیریت امور کشورمان برگزینیم، مسئولیت درست و غلط آن نیز بر عهده خود ما است و اگر گاهی اشتباهی نیز کردیم در دور بعد اصلاح خواهیم نمود و وظیفه حکومت در این میان به علت توان و گستره اجرایی اش برگزاری انتخابات بدون هیچ مداخله ای و در هیچ مرحله ای است. چه مردم عادی و چه سیاسیون حرفه ای اهمیت انتخابات را می دانند و به صندوق رأی به عنوان کم هزینه ترین روش اصلاح امور نگاه می کنند ولی تضعیات و محدودیت هایی که در مسیر انتخاب واقعی مردم قرار داده شده رابطه مردم با صندوق رأی را دچار خدشه کرده است.

رویکرد کنونی جناح اصلاح طلب و احزاب موجود در آن برای انتخابات ۱۴۰۰ چیست؟

در جناح اصلاح طلب دو رویکرد کلان در این رابطه وجود دارد. یک رویکرد معتقد است ما باید نامزدهای اختصاصی خود را معرفی کنیم و منتظر نظر نهادهای ممیز و در مرحله بعد مردم بمائیم و خصوصاً در مرحله اول انتخابات وارد ائتلاف با جریان های دیگر نشویم. یک رویکرد معتقد است ما از همین ابتدا با توجه به شناختی که از نهادهای ممیز داریم و با توجه به شناخت از مردم، نامزدی را معرفی نماییم که بتواند از گردنه ممیزی عبور کند و بعد هم از مقبولیت مناسبی در بین مردم برخوردار باشد. هنوز موازنه قوا در داخل جریان اصلاح طلب در رابطه با اتخاذ یکی از این دو رویکرد مشخص نشده و بستگی زیادی به پالس های صادره از جانب حاکمیت دارد. حزب ما معتقد است که برای افزایش سرمایه اجتماعی جریان اصلاح طلبی، رویکرد اول ضرورت دارد و بهتر است ما بدون توجه به نظر نهادهای ممیز کمینده نامزد یا نامزدهای خود را معرفی نماییم.

چالش های مطرح در جریان اصلاحات نسبت به انتخابات ۱۴۰۰ و نامزدهای احتمالی آن ها کدام ها است؟

چالش های متعددی در برابر جریان اصلاحات در انتخابات پیش رو وجود دارد. بعضی از این چالش ها قدیمی و مسبوق به سابقه هستند و بعضی نیز جدید می باشند. در مورد چالش های قدیمی می توان به بحث تأیید صلاحیت ها، رسیدن به نامزد واحد، نقش زنان و جوانان، و برنامه برای اداره کشور بعد از پیروزی اشاره کرد. در مورد چالش های جدید باید به دو مورد انتخابات در شرایط پاندمی کرونا و بی انگیزگی آحاد مردم برای حضور در انتخابات اشاره نمود. در مورد نامزدهای احتمالی جناح اصلاح طلب ایده خاصی ندارم و معتقدم که از بین لیست طولیل نامزدهای احتمالی نهایتاً شرایط بیرونی تعیین کننده نامزدهای نهایی خواهد بود و جریان اصلاحات نمی تواند بر اساس مناسبات درونی خود نامزد نهایی را تعیین کند. گرچه خود معتقدم که یک جریان سیاسی ریشه دار نباید منتظر تحولات بیرونی بماند و باید بر اساس مکانیسم ها درونی خود و بر اساس شایسته سالاری نامزد نهایی خود را انتخاب نماید.

حتی اگر همچنان رد صلاحیت ها را شاهد باشیم، توصیه به حضور مردم در پای صندوق ها و انتخابات خواهید کرد و چرا؟

بحث فقط رد صلاحیت های گسترده نیست، اگر مردم احساس کنند که رأی ایشان تغییری در شرایط ایجاد نمی کند، نمی توان آن ها را تشویق به رأی دادن کرد. مجموعه فرایندهای در پیش گرفته شده در سال های اخیر باعث شده است این احساس در مردم به وجود آید که با استفاده از انتخابات نمی توانند در اصلاح شرایط مؤثر باشند. گرچه ذات انتخابات نهاد انتخابات مهم است و به عنوان مهم ترین دستاورد ۱۰۰ سال اخیر و بعد از مشروطه باید حفظ شود ولی این موضوع تأثیر کمی در کشاندن مردم به پای صندوق ها دارد. مردم باید واقعی بودن انتخابات را حس کنند؛ لذا ما هم به عنوان بخشی از مردم که به طور جدی تر در قالب حزب به کنش سیاسی می پردازیم وقتی می توانیم مردم را به مشارکت دعوت کنیم که اولاً نامزدهای خود ما بتوانند در انتخابات حضور داشته باشند و در ثانی بتوانیم این تضمین را به مردم بدهیم که منتخبین ما می توانند مؤثر باشند.

در مورد انتخابات شوراها نکته ای وجود دارد که نباید از آن غافل ماند. علی رغم تمام مشکلات و محدودیت هایی که برای شوراهای شهر و روستا وجود دارد، انتخابات شوراها مسئله روزمره ما است، بالاخره کسی باید مسائل شهرهای ما را مدیریت کند، زباله ها را جمع کند، فضای سبز را حفظ نماید و سیستم حمل و نقل شهری را سامان دهد؛ لذا حضور در این انتخابات در هر شرایطی ضروری است و ما این توجه را از مردم خواهیم که بین انتخابات شوراها و سایر انتخابات ها تفکیک قائل شوند و به طور فعالانه و مؤثر در انتخابات شوراها حضور یابند.

در روزهای گذشته مجلس در حال اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و تعیین شرایط نامزدهای آن بوده است و این موضوع به خیلی از مباحث دامن زده است، در این مورد نظر شما چیست؟

من به این مسئله از چند زاویه مختلف نگاه می کنم:

زاویه اول نفس قانون گذاری توسط مجلس در این مورد است. قانون اساسی به دلایل مشخصی در این مورد بسیار شفاف و بسیط حرف زده و تلاش کرده که با یک نگرش مدرن و دموکراتیک این اجازه را به آحاد مردم بدهد تا نامزد ریاست جمهوری شوند. این در حالی است که عملاً قانون اساسی توسط مجلس محدود می گردد و این حق از آحاد جامعه سلب می گردد. این فرایند به نوعی دور زدن قانون اساسی و بی اثر کردن آن توسط قوانین عادی است. البته موضوع مسبوق به سابقه است و قبلاً نیز شاهد چنین فرایندهایی بوده ایم که مورد کم توجهی قرار گرفته است. از طرفی معمولاً افراد مستقر در ساختار قدرت، گرایش به محدود کردن امکان ورود سایرین به نهادهای قدرت را دارند. این موضوع را در اکثریت پدیده های این چنینی می بینیم. مثلاً در هیأت ممیزه دانشگاه ها یا در قوانین انتخاباتی برای ورود به مجلس یا شورا یا نهاد خبرگان. افراد مستقر در این ساختارها در هنگام تولیت خود مقرراتی را تصویب می کنند که شرایط ورود را برای دیگران سخت می کند. در اینجا معمولاً این نهادهای ناظر و نگاهبان هستند که جلوا این بی عدالتی و تبعیض را می گیرند و مانع تصویب چنین قوانینی می شوند. در ایران متأسفانه نهادهای ناظر و نگاهبان این وظیفه مهم را به خوبی انجام نمی دهند و اکنون شاهد هستیم که شروطی نظیر مدرک تحصیلی برای نمایندگی مجلس یا شورا مطرح شده و قاطبه جمعیت کشور را از حضور در این ساختارهایی محروم کرده است؛ لذا الان شاهد حتی حضور یک کارگر یا کشاورز واقعی در مجلس نیستیم. در این مورد خاص نیز، خود شورای نگهبان پیشنهاددهنده ایجاد محدودیت برای ثبت نام نامزدها بوده است. نهایتاً من نفس ورود مجلس به این قانون گذاری را در این مقطع زمانی و با این سرعت مطلوب نمی دانم و آن را تضعیف کننده نهاد جمهوریت می دانم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

زاویه دوم محتوای ماده‌های مصوب شده است. اکثر این مواد مصوب، راه‌حل‌های کاذب برای به فراموشی سپردن راه‌حل اصلی است. در این رابطه مثالی می‌زنم فرض کنید بیماری به علت التهاب آپاندیس به بیمارستان مراجعه کرده است. درمان و راهکار اصلی جراحی و خارج کردن زائده است. حال اگر شما بیاید تمرکز را روی داغ کردن شکم، زاویه دادن به بدن، باد زدن صورت بیمار، مالش دادن پاها بگذارید در حال انجام دادن اقدامات کاذب هستید، گرچه ممکن است بیمار متوجه این موضوع نشود و گمان کند شما کاری انجام می‌دهید. در بحث انتخابات در ایران، مشابه همه دنیا، راهکار اصلی حزبی شدن انتخابات است و بخش اعظم مشکلات انتخاباتی ایران را حل خواهد کرد. متولیان امر نمی‌خواهند کار اصلی را به دلایل مختلف انجام دهند لذا سراغ راه‌حل‌های کاذب می‌روند و گر نه اگر نظام گزینش حزبی حکم‌فرما باشد هیچ نیازی به گذاشتن این شرط و شروطها نخواهد بود. برای همین محتوای ماده‌های مصوب شده جای بحث تخصصی را ندارند.

زاویه سوم تصویب قانون به نفع فرد یا افراد خاص یا به ضرر افراد دیگری هست. این شائبه در تصویب قوانین این چنینی همیشه وجود دارد و بی‌مورد هم نبوده است. اصلاً ذات تأیید صلاحیت با هدف محروم کردن عده‌ای از نامزدی بوده است. در این مورد هم بر همین روال عمل شده فقط چون عربان تر از سایر موارد بوده جلب توجه کرده است. و گر نه به‌طور کلی و در طی تمام سال‌های استقرار جمهوریت در ایران ما شاهد حذف افراد به دلایل مختلف بوده‌ایم و اجازه نداده‌ایم که یک فضای بی‌طرفانه برای انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان ایجاد شود و همه اقشار جامعه بتوانند نامزد مطلوب خود را راهی کرسی‌های قدرت نمایند. در این مورد حضور آقای قالیباف در کسوت ریاست مجلس، به این شائبه در مورد خود ایشان، دامن زده است و از طرفی تدوین موادی که حذف آقای ظریف را آماج قرار داده است. گرچه من هر دو مورد را چندان مهم نمی‌دانم چرا که احتمال حضور این دو نفر چندان بالا نیست. این حاشیه‌های ایجاد شده فقط باعث می‌شود که اصل قضیه یعنی قانونی کردن محدودیت انتخاب مردم و تضعیف قانون اساسی، کمتر مورد توجه قرار گیرد.

آیا با روی کار آمدن رئیس‌جمهور نظامی موافق هستید؟

نظامی بودن یا نبودن رئیس‌جمهور مسئله فرعی در انتخاب رئیس‌جمهور است. چندین ویژگی دیگر ابتدا باید در فرد وجود داشته باشد و بعد به این مسئله بپردازیم من به دو مورد از این ویژگی‌ها در بالا اشاره کردم. بحث داشتن تیم کارآمد و با مهارت؛ و داشتن ذهنی پیچیده، خلاق و نوآور. اکثریت نظامیان به علت ماهیت سیستم نظامی در ایران، نه تنها فاقد این دو ویژگی هستند بلکه امکان کسب آن را در کوتاه‌مدت هم ندارند و علاوه بر آن نقطه ضعف‌های دیگری نیز به‌طور کلی و با توجه به تربیت نظامی خویش دارند. نقطه قوت یک رئیس‌جمهور نظامی به‌عزم موافقین این افراد اقتدار است که من این نوع از اقتدار را در شرایط ایران کارآمد نمی‌دانم و معتقدم باید با شیوه‌های دیگری اقتدار دولت را ایجاد و تقویت کرد؛ لذا من به‌شخصه با توجه به شرایط کشور در این مقطع زمانی حضور نظامیان را در این عرصه به مصلحت کشور نمی‌بینم. حتی اگر در ابتدای امر با یک اقتدار نسبی روبرو باشیم در میان مدت و با روبرو شدن با پیچیدگی‌های مدیریت کلان کشوری نظیر ایران خواهیم دید که اقتدار مشکل ما را نه تنها حل نمی‌کند بلکه خود معضلی بر مجموعه معضلات می‌افزاید.

در باره حامای بگویند رویکرد حامای در این انتخابات چگونه است، آیا دارای کاندیدایی احتمالی خواهد بود. دلایل روی آوردی حامای به سیاست خرد را در چه چیز می‌دانید، این سیاست خرد و محلی برای همیشه ادامه خواهد یافت؟

حزب اراده ملت ایران برای اینکه بتواند آزادی عمل بیشتری داشته باشد و مستقلاً تر در کنش‌های سیاسی حضور یابد در ماه‌های اخیر از تشکیلات شورای هماهنگی اصلاحات و نهادهای مرتبط خارج شده است و اکنون رویکرد خاص خود را در انتخابات دنبال می‌کند. در انتخابات ریاست‌جمهوری ما نامزد اختصاصی نداریم و منتظر می‌مانیم که ببینیم شرایط کلی کشور و فضای انتخاباتی به چه سمتی می‌رود و بر آن اساس تصمیم خواهیم گرفت. ولی در مورد انتخابات شوراهای تصمیم حزب بر این اساس بوده است که با نامزدهای اختصاصی خود وارد عمل شود و فعالانه در کارزار انتخابات شرکت کند.

ما در حزب اراده ملت ایران همانند بخش وسیعی از مردم متوجه شده‌ایم که میزان اثرگذاری ما در مسائل کلان بسیار محدود نگاه داشته شده است و نه از طریق نهادهای انتخابی و نه از طریق ارائه هشدار و تذکر و مشاوره نمی‌توانیم بر هسته سخت قدرت اثری بگذاریم لذا تصمیم گرفته‌ایم که فعلاً و تا این شرایط وجود دارد محدوده عمل خود را به سمت مسائل خردتر، ببریم. در سال‌های اخیر و همپای جریان اصلاحات و بخش وسیعی از مردم ما تمام تلاش خود را کرده‌ایم تا بتوانیم در جهت اصلاح امور و پیشبرد کارها گام برداریم ولی در نهایت نه تنها دستاورد شایان توجهی نداشته‌ایم بلکه هزینه زیادی نیز متحمل گشته‌ایم؛ بنابراین ترجیح داده‌ایم در فضای متفاوتی به کنش ورزی بپردازیم. طبیعی است که وقتی گروهی فضا را برای کار مناسب نمی‌بیند یا باید سکوت کند یا به دنبال تغییر فضا برود و ما چون دغدغه ایران و مردم را داریم و نمی‌توانیم در برابر مشکلات سکوت کنیم تصمیم به تغییر فضا و زمین بازی گرفته‌ایم. ما امیدوار هستیم در این فضای متفاوت بتوانیم بیشتر اثرگذار باشیم و لاقلاً مشکلات بخشی از توده‌های مردم را حل کنیم. از طرفی حتی در بدترین شرایط سیاسی نیز مسائل روزمره انسان تعطیل نمی‌شود و لازم است که مورد توجه تک‌تک مردم قرار گیرد. مسائل شهرها و روستاهای کشور گرچه تحت تأثیر مسائل کلان‌تری هم قرار دارند ولی از جمله مسائلی هستند که می‌توان آن‌ها را در حوزه خرد طبقه‌بندی کرد. بر این اساس حوزه سیاست خرد در هیچ شرایطی تعطیل شدنی نیست و باید به آن پرداخت.

برنامه حزب اراده ملت ایران برای انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای چگونه خواهد بود؟

ما در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد اختصاصی نداریم و برای همین برنامه ویژه‌ای تا روزهای آخر نداریم. اما به علت اهمیت این موضوع، در صورتی که در ماه‌های آخر منتهی به انتخابات هم آن مسائلی که در بالا ذکر کردم (میزان رغبت مردم برای مشارکت - مسئله انتخابات آزاد - محدوده عمل رئیس‌جمهور) حل شده باشد و هم بین نامزدهای موجود، فردی را با توجه به شرایط، مناسب این منصب بدانیم؛ بعد از مذاکرات لازم با ایشان وارد کارزار انتخاباتی خواهیم شد.

اما در مورد انتخابات شوراهای، مطمئناً نامزدهای اختصاصی خودمان را خواهیم داشت. در این دوره تلاش می‌کنیم چند موضوع را محور قرار دهیم. در شهری نامزد معرفی می‌کنیم اول اینکه یک برنامه دقیق، علمی و عملیاتی برای آن داشته باشیم. دوم اینکه تشکیلات حزبی ما میزانی از قوام‌یافتگی را در آنجا داشته باشد و سوم اینکه بتوانیم پاسخگوی عملکردش بعد از انتخابات باشیم. در همین راستا در ماه‌های آخر انتخابات و بعد از مشخص شدن برنامه و نامزد اختصاصی حزب در هر شهر یا روستا، به بحث شناسائی نامزدهای همسو و ائتلاف احتمالی با ایشان در قالب‌های مختلف می‌اندیشیم.

ما گمان می‌کنیم که برای حل بخشی از مشکلات موجود لازم است تیمی کار کنیم، برنامه داشته باشیم، و پاسخگو باشیم؛ لذا در حد بضاعت خود تلاش می‌کنیم در برنامه انتخاباتی حزب برای شوراهای شهر و روستا این موارد را رعایت کنیم.

یک بیوگرافی کوتاه از خودتان بگویید.

به پایدگی سرفرازان ایران! فرزندانم، گیلانی و رودباری. از سنگ‌زارهای سخت و کوه‌های کم‌آب و علف... مهمان سمنانی‌های سخت‌کوش و با ادب... حدود دو دهه از ابونان و هوا و دوستی دوستان این دیار بهره می‌برم.

مسروم؛ اینک آن چنان در این دیار ریشه دوانیده‌ام که می‌توانم برای بسیاری از رمان‌های دوران جوانی و تحقق آن‌ها هم‌پا و هم‌دوش سایر انسان‌های شریف و آزاده این خطه از کویر تلاش و کوشش کنم. برای سرفرازی ایران و ایرانیان و آنچه لازمه آن هست اتحاد و همدلی است... و من برای تحقق آن حزب اراده ملت ایران را برگزیدم تا آگاهانه قدم در راهی بردارم که فرداییان، هنگام یاد کردن از گذشته بگویند که در برهوت کرونا نسلی بودند که مهربانی و عشق را پاسداری می‌کردند.



در اوج حاکمیت اختناق و دیکتاتوری توأم تیمسار بختیار و محمدرضا پهلوی در خانواده‌ای به دنیا آمده‌ام که پدر و مادر تشنه دانش آموختن فرزندان‌شان بودند هم از این روی در محضر و مکتب برادر بزرگم القای مبارزه با ستم فرد از فرد را آموختم و عدالت و آزادی را هم او بود که سرلوحه زندگانی من قرار داد. اگرچه پدر همیشه بر زبان داشت که: برای نهادن چه سنگ و چه رز... او باور داشت از آنچه که داریم باید بهره ببریم و در نتیجه ما را به کاربرد آموخته‌هایمان تشویق و ترغیب می‌کرد. دوران پیش از مدرسه را در مکتب (ملاخانه) با خواندن عم‌جزء و بعدها به فراگرفتن قرآن و ختم آن مشغول بودم. هم آنجا بود که آموختم جز در برابر خداوند بزرگ سر بر آستان هیچ قدرت و زورگویی خم آنچه نباید کرد. از سال‌های جوانی تا اینک برای تحقق آزادی و تلاش برای عدالت اجتماعی راه نجات را در میان جمع جستجو می‌کردم بر پیشانی ذهنم نوشته شده بود: چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

از چه زمانی وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شدید؟

پیش از انقلاب بزرگ سال ۵۷ با بسیاری از مبارزان ضد پهلوی هم‌تشنه و همراه بودم. درس آموز بزرگانی بودم که شوربختانه با به ثمر نشستن تلاش‌های همدلانه ضد استبدادی‌شان تاب و تحمل هم‌سویه‌گری را نداشتند و خودمحوری و خودحق‌بینی را پیشه کردند و آن چنان به تاخت اسب تفرقه را تازاندند که نارقیان جای رفیقان را پر کردند. سرمایه‌های ملی مملکت به تاراج تفرقه رفت.

روزهای نبرد میهنی باعث شد تا این کارزار تفرقه‌زای دوستی برانداز دور بمانم و به شکرانه این دوری و آن تلخی امروز خوشه‌چین همدلی‌های مهربانانه‌ای باشم که کاش در آن دوران از ما رخت بر نمی‌بست.

مختصری از فعالیت‌هایی که داشتید برای مخاطبان ما بگویید.

بعد بازگشت از جبهه‌های نبرد میهنی دوران قهر من و فعالیت‌های اجتماعی آغاز شد و این قهر همچنان ادامه داشت تا ورزش دوباره نسیم آزادی که بر گونه‌های کرخت من رنگ گلگونه می‌داد. مطبوعات آرام‌آرام رنگ و لعابی تازه گرفتند من اما همچنان نظاره‌گر بودم تا روزی که به شکلی کاملاً اتفاقی نام روزنامه مردم‌سالاری به نگاه من دوخته شد. چربی این دل نشستن فقط یک حس بود. یاد هست اولین مطلبی که برایش فرستادم با این عنوان بود: وفاق ملی: همه باهم یا همه با من... تصور چاپ این مطلب در من آن چنان ضعیف بود که وقتی چاپ شد بی‌هیچ حذف و به قولی سانسور... به وجد آمدم و مطلبی دیگر و باز هم مطلبی... تا جایی که در هفته گاهی تا ۳ مطلب از من در صفحه اول چاپ می‌شد.

و اینجا بود که یخ این دوری آب شد و من با حزب مردم‌سالاری عقد اخوت و برادری بستم. سال‌هایی را کنار این عزیزان بودم تا اینکه حزب اعتماد ملی شکل گرفت و من با دعوت شیخ‌الشوخی اصلاحات به عضویت حزب اعتماد ملی درآمدم و چون در گیلان مستقر بودم کار به مدارا و تلاش می‌گذشت. با آمدن من به سمنان و فعالیت‌های دوران جدید... حزب اراده ملت ایران را که دوران جدید فعالیت خود را آغاز کرده بود، یافتیم و تا اینک به‌عنوان سربازی در این میدان به فعالیت مشغولم.

از چه زمانی وارد حزب اراده ملت شدید و تاکنون چه برنامه‌هایی داشته‌اید؟

حزب اراده ملت ایران در ساختار جدید و نوین خود توانسته است باتکیه بر شعار انسجام‌تئوریک و تربیت کادر همه‌جانبه فعالیت‌های حزبی خود را در سراسر کشور و از جمله در استان سمنان و شهرستان‌های تابعه گسترش دهد. این حزب با کمال افتخار امروز در شهرستان‌های سمنان، مهدیشهر، دامغان و شاهرود دفتر مستقل دارد. نشست‌های منظم خود را با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، حتی در همین شرایط کرونایی، برگزار می‌کند. تا پیش از کرونا جلسات هفتگی حزب به‌صورت عمومی برگزار می‌شد که معمولاً دبیران و اعضای مؤثر احزاب و فعالین سیاسی غیر عضو حزب نیز در آن حضور داشته و به پرسش و پاسخ مشغول بودند. در شرایط کرونایی نیز چندین جلسه حزبی با حفظ و رعایت پروتکل‌ها به‌صورت حضوری برگزار شده است و جلسات آنلاین مجازی نیز به‌طور مرتب ادامه دارد. حزب اراده ملت ایران به وفاق ملی در پرتو قانون اساسی از طریق تحزب و نگاه به خواسته‌های حق به‌جانبانه توده‌های زحمت‌کش مردم را سرلوحه امور خود قرار داده است.

آیا برنامه‌ای برای انتخابات آینده در حزب دنبال می‌کنید؟

در جامعه هر تغییری از دو روش شکل می‌گیرد: ۱- صندوق‌های رأی ۲- روش‌های غیر مسالمت‌آمیز حزب اراده ملت ایران به پایبندی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعتقاد به تغییر از طریق صندوق‌های رأی دارد لاجرم برای هر انتخاباتی برنامه‌ای دارد؛ اما اینکه برنامه حزب ما در انتخابات آتی یا پیشرو چیست به‌ناچار باید نظاره‌گر روش‌های برگزاری انتخابات باشیم. در تمام مدت چهل و چند سال گذشته و انتخابات برگزار شده مردم ما مجبور به حضور در میدانی بوده‌اند که سرلوحه شعارهایشان انتخاب میان بد و بدتر بوده است. امروز می‌اندیشیم ما در قحط‌الرجال به سر نمی‌بریم تا میان بد و بدتر انتخاب کنیم. بهتر است تا احزاب در وزن کشی‌های سیاسی - اجتماعی خود نامزد معرفی کنند و شورای محترم نگاهیان نیز با اعتماد به وزارت کشور و مجوز فعالیت که به احزاب در چهارچوب قانون اساسی داده است به نامزدهای معرفی شده توسط احزاب اعتماد کند و احزاب را پاسخگوی عملکرد کاندیداهایشان بداند که اگر چنین شود شور و شوقی بی‌کرانه در خصوص حضور مردم ایجاد خواهد شد. وگرنه اگر اندیشه حذف همچنان در سرلوحه دوستان محترم شورای نگاهیان باشد انتخابات آتی مانند انتخابات دوره پیشین مجلس شورای اسلامی می‌شود و نتیجه‌ای بهتر از آنچه که شاهد بودیم نصیبمان نخواهد شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

.....
سال سوم
شماره ۲۵
هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

کمی در خصوص تاریخچه احزاب در جهان و ایران بگویید؟

اگر بخواهیم به تاریخچه احزاب در ایران و جهان نگاهی هر چند کوتاه بیندازیم فرصتی جداگانه را می طلبد؛ اما همین اندازه بگوییم که تاریخ احزاب در جهان به درازای مدنیت و شهرنشینی می رسد؛ و احزاب مدرن نیز در یکی دو سده اخیر و در ایران نیز از زمانی که کارگران ما به آن سوی مرزهای ما جهت امرار معاش می رفتند، شکل گرفته اند.

به نظر شما نقش احزاب در مشارکت مردم در صحنه های مختلف سیاسی و اجتماعی چیست؟

نقش احزاب در پیشبرد اهداف متعالی و مشارکت مردم بستگی به اساسنامه ها و مرامنامه های آنان دارد، اما هر چه که باشد چون گروهی از مردم را در خود متشکل می کنند و قطره را به دریا وصل می کنند، لاجرم من حزب را منشأ تغییر می دانم و اعتقاد راسخ دارم حضور احزاب بایسته و ضرورت یک جانبه مدرن هست.

آیا جایگاه احزاب با توجه به تعریف آن در قانون اساسی تبیین و تقویت شده است؟

هنوز تا مدینه فاضله ای که قانون برای احزاب در نظر گرفته است فاصله بسیار است. در جامعه ما هنوز با وجود این همه حزب هیأتی عمل می شود. مردم ما هنوز حزب پذیر نشده اند که البته این شوربختی شگفت انگیز سابقه طولانی در شکست ها و ناکامی های این ملت بزرگ دارد. اعتماد به عملکرد حاکمیت در پذیرش کار حزبی از سوی مردم و یاری گرفتن از احزاب برای اداره بهتر مملکت می تواند از سوی حاکمیت این گره کور را باز کند. برسد روزی که مسئولان وقت با افتخار اعلان کنند که حضورشان را در کرسی های خدمتگزاری مدیون و مروهون احزاب بدانند

چرا در طول ۴۲ سال گذشته احزاب فراگیر نتوانستند در کشور ما پا بگیرند؟

علت های بسیاری در این پانگرفتن هاست، شاید یکی از آن ها اثر مخرب فرهنگ دو هزار و چند صد ساله دیکتاتوری در اذهان ماست که از هر کدام ما یک شاهک یا دیکتاتور کوچک ساخته است که ما جز به دانایی خود به خرد جمعی کمتر می اندیشیم و به هم فکری و هم اندیشی کمتر توجه داریم.

به نظر شما آیا در کشورهایی که با احزاب اداره می شوند مدیریت آنان موفق تر نیست؟

حتماً به یقین، شما در تمام کشورهایی که احزاب برنامه مدون دارند رشد و تعالی را شاهد هستید. حزب از تکروری ها پیشگیری می کند، همین انتخابات اخیر آمریکا، اگر حزب نبود مگر می شد حریف قدری های آقای ترامپ شد؟! افسار گسیختگی ترامپ را حزب جمهوری خواه بود که لگام زد.

نگرش شما از فعالیت احزاب در استان چگونه است؟

خوشبختانه احزاب در استان نمودار ظاهری خوبی دارند اگر چه فعالیت های بسیاری از این احزاب فقط منحصر به دوران انتخابات است اما همین حضور و وجود با هم بهتر از نبود آن هست. امیدوارم تا مجموعه احزاب در استان بتوانند فعالیت های مجدانه حزبی را پی بگیرند و فعالیت های خود را در میان توده های مردم ماندگار کنند.

به طور کلی نقش خانه احزاب در پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی کشورمان چیست؟ به نظر شما آیا خانه احزاب در استان برآیند مثبت داشته است؟

خانه احزاب جایگاه گردآمدن احزاب برای به رسمیت شناساندن حزب ها و در واقع یک واحد صنفی است که بتواند از عملکرد احزاب دفاع کند. امیدوارم با رویکرد جدید در مدیریت خانه احزاب استان شاهد شکوفایی آن باشیم.

به نظر شما چرا در کشور ما احزاب زیادی مجوز فعالیت گرفتند؟ تعدد احزاب مانع رسیدن به قدرت نمی شود؟

طبق قانون تشکیل حزب شرایط خاص خود را دارد و نمی توان افراد را با دارا بودن آن شرایط و ضوابط از تشکیل حزب منع کرد اما این خود احزاب هستند که برای رسیدن به قدرت باید تشکیل جبهه واحدی را بدهند و از توسل به روش های ناصواب بهره زنند و با رویکرد علمی جایگاه واقعی خود را بیابند. تشکیل جبهه واحد آزادی می تواند راه رسیدن به قدرت را هموار کند.

به نظر شما اگر دو حزب اصلاح طلب و اصول گرا در کشور فعالیت داشته باشند بهتر نمی توانیم بر مشکلات فائق آییم؟

این همانی است که عرض کردم احزاب هم فکر و هم سو باید بتوانند نیروهای خودشان را به راستی آگاه کنند که برای رسیدن به قدرت باید از تفرقه بهره زنند و تشکیل یک جبهه واحد می تواند راه گشای این معضل باشد.

در حال حاضر احزاب در کشور ما با چه مشکلاتی مواجه هستند؟

در شرایط اکنون باید به عرض برسانم که نه حاکمیت احزاب را به رسمیت می شناسد و نه مردم و این بزرگ ترین مانع در راه فعالیت احزاب موجود است.

نظر شما در خصوص کارکرد دو جریان اصلاح طلب و اصول گرا در این سال ها چیست؟

احزاب اصلاح طلب و اصول گرا در سال های اخیر بیشتر از آن که احزاب دارای فعالیت مستمر باشد احزاب فصلی و انتخاباتی بوده اند و این بزرگ ترین ضعف احزاب ماست.

برخی از سیاسیون عدم وجود هماهنگی در زیرشاخه های جریان اصلاح طلبی را دلیل بی اعتمادی مردم به این حزب و پایین آمدن مشارکت مردم و نهایتاً واگذاری مجلس به رقیب عنوان می کنند. دیدگاه شما چیست؟

اتفاقاً کاملاً برعکس است احزاب اصلاح طلب چون لبه تیز تیغ نظارت را بر فعالیت های شان به طور مداوم احساس می کنند مجبورند با رعایت تمام پروتکل های بهداشتی حرکت کنند تا مبدا این تیغ نظارت آنان را از فعالیت حداقلی که دارند محروم سازد و حذف شوند؛ و از آنجایی که مردم توقع دارند احزاب مدافع منافع صنفی - سیاسی و اجتماعی آنان باشد و این حداقل را این احزاب تحول خواه اصلاح طلب نمی توانند برآورده کنند لاجرم رویکرد مناسبی نشان نمی دهند و گر نه همین مردم حزب گریز در شرایط تعریف شده قانونی احزاب خواهید دید چه رویکرد جانانه ای دارند.

نظر شما در خصوص فعالیت شورای هماهنگی اصلاح طلبان در کشور چیست؟

گرچه امروز حزب اراده ملت ایران، با تصمیمات متخذه در آخرین پلنوم خویش خروج رسمی خود را از شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان و هم از شورای هماهنگی اعلان داشته است لذا من اعتقاد دارم که شورای هماهنگی اصلاح طلبان اگر بتواند به جای نگاه به بالادستی توجه خود را به توده های محروم مردم و اقشار مزدبگیر یعنی در واقع به کارگران، کشاورزان، کسبه جزء و کارمندان معطوف کند. حتماً از جایگاه خاصی برخوردار خواهند شد.

نظر شما در خصوص روزنامه پیام استان سمنان؟

روزنامه پیام سمنان را از زمان حضور خویش در سمنان می شناسم، به طور معمول سرمقاله ها و ستون صفحه دوم را خواندنی و جذاب می بینم. ضمن آنکه گزارش های مردمی خوبی نیز دارد؛ و صدا البته از این که توانسته است این همه سال با این همه مشکلاتی که بر روزنامه های مکتوب آوار شده است دوام بیاورد جای تحسین دارد.

سخن آخر

سپاسگزارم از فرصتی که در اختیار من گذاشتید امیدوارم این سلسله نشست ها با دیگر دوستان و احزاب موجود در سمنان پی گیری شود. از سردبیر محترم نیز تقاضا دارم در صورت امکان، گاهی میز گردی از دبیران احزاب مختلف، کمیته های زیرمجموعه آن ها مانند کمیته های زنان، جوانان، اقشار و اصناف و مسئولان دفاتر سیاسی برگزار کند.

از همین جا برای بار چندم و تکرار بسیار از آن ها که ردیف های بودجه را تحریر می کنند می خواهم ردیفی هم برای احزاب در نظر بگیرند همان گونه که برای بنیادهای مختلف با نام های بی شمار ... احزاب هم در یاری رسانی صدای مردم ایران به اقصی نقاط دنیا کم از آن دیگران نیستند. به آن ها می بخشید از احزاب پس بگیرید اما بودجه ای اختصاص دهید تا این احزاب بتوانند پا بگیرند.

شاکله اصلی تشکیل دهنده احزاب آدم های خوش فکر بی پولی هستند که برای رنجبران و زحمتکشان تلاش می کنند.

از توجه شما سپاسگزارم

اسماعیل مختاری سخنگوی حزب اراده ایران در گفتگو با هفته نامه اراده ملت؛ اصلاح طلبان پاسخ مناسبی در قبال رأی مردم ندادند

نهاد اجماع ساز اصلاح طلبان برای بازسازی اعتماد مردم کاری بسیار سخت در پیش دارد. اسماعیل مختاری سخنگوی حزب اراده ایران در گفتگو با هفته نامه اراده ملت ارگان رسمی حزب در پاسخ به این سؤال که نهاد اجماع ساز جریان اصلاحات رو چطور ارزیابی می کنید و آیا این نهاد می تواند پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان را برای انتخابات ساماندهی کند یا خیر، گفت: نهاد اجماع ساز با توجه به اصول اعلام شده مثل: اصلاحات جامعه محور، ایجاد جبهه واحد انتخاباتی، بازسازی و نوسازی گفتمان اصلاحات و همچنین محور قرار گرفتن احزاب یک اقدام مثبت و حرکت روبه جلو تلقی می شود، اما با توجه به کارنامه دولت امید و عملکرد لیست امید در مجلس قبل که نتیجه آن عملکردها افزایش فشار روزافزون بر زندگی مردم و قشرهای مختلف جامعه بوده و پاسخ و اقدام رضایت بخشی هم از سوی دولت منتخب اصلاح طلبان قابل مشاهده نیست؛ بنابراین پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان به شدت آسیب دیده است، لذا «نهاد اجماع ساز» در دوره کوتاه مدت و حتی میان مدت نمی تواند به بازسازی اعتماد و اقبال مردم کمک نماید، چون مردم عمل می خواهند تا تأثیر آن را در زندگی روزمره خود لمس کنند، مردم ثبات و آرامش اقتصادی می خواهند و اصلاح طلبان در قبال اخذ رأی از مردم پاسخ درخور به جامعه ارائه نداده اند و از مسئولین هم پاسخ نخواستند، لذا امکان ساماندهی پایگاه اجتماعی برای انتخابات آتی کاری آسان به نظر نمی رسد.

اولویت دولت بایدن بازسازی ارتباط با اروپا و چین است
مختاری در پاسخ به سؤالی دیگر درباره انتخابات آمریکا گفت: اولویت نخست دولت بایدن، ابتدا اروپا و برگشت به نهادهای بین المللی و مشترک با اروپا خواهد بود، سپس تنظیم روابط با روسیه و همکاری جهانی با آن کشور و دیگر اولویت مهم دولت بایدن و البته دغدغه دولت های اخیر آمریکا، کشور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی با رشد بالا و همچنین یک قدرت نظامی نوظهور که با افزایش بودجه نظامی خود، تحرکات نظامی در اقیانوس آرام و دریای چین دارد، بنابراین یکی از دغدغه مهم دولتمردان آمریکا، رشد اقتصادی، نفوذ اقتصادی و جاه طلبی نظامی اما آرام چینی هاست. رویکرد دولت جدید آمریکا با ایران، ابتدا رویکرد همکاری خواهد بود در زمینه های مختلف. مختاری ادامه داد: احتمالاً قبل از مسئله هسته ای، نوع حضور ایران در منطقه و افزایش توان موشکی ایران و همکاری با آژانس انرژی اتمی در چهارچوب یادمان ها از مباحث دولت آقای بایدن با دولتمردان ایران خواهد بود. مباحث حقوق بشری و حقوق اساسی همواره از مباحث مطروحه دموکرات ها بوده لذا در این موارد هم ممکن است گفتگوهای انتقادی چه مستقیم و غیرمستقیم صورت پذیرد و به نظر می رسد برجام هم با اولویت بیشتر از مباحث فی مابین دو کشور خواهد بود.

محدودیت نگاه و نگرش را در تعریف سیاسی از رجل سیاسی

سخنگوی حزب اراده ملت در پاسخ به این پرسش که قانون جدید انتخابات ریاست جمهوری که توسط مجلس تدوین شده است را چگونه ارزیابی می کنید و نقاط قوت و ضعف آن چیست افزود: مصوبه اخیر مجلس در مورد انتخابات ریاست جمهوری فقط محدودیت سنی ایجاد نکرده بلکه محدودیت نگاه و نگرش را در تعریف سیاسی از رجل سیاسی مدنظر قرار داده که این امر با توجه به تحریم ها و مشکلات موجود منطقه ای و بین المللی به نفع جامعه در بلندمدت نخواهد بود، در حالی که ما نیازمند تنظیم و گسترش روابط با همسایگان و قدرت های منطقه ای هستیم تا اثرات تحریم را کاهش دهیم، محدودیت های تجاری و مالی را کم اثر کنیم، اما از این مصوبه چنین برداشتی نمی شود تا کاندیدایی رئیس جمهوری با نگاهی برای مراد و مذاکره در مناسبات بین المللی تأیید شود به نظر می رسد این مصوبه کاندیداتوری ریاست جمهوری را بیشتر به نفع یک جناح سیاسی رقم خواهد زد، و این نگاهی واقع بینانه به خواست و شرایط اجتماعی و اقتصادی نیست.

برنامه مدونی برای انتخابات شوراهای شهر و روستا داریم

مختاری درباره آخرین فعالیتهای انتخاباتی حاما گفت: اظهارنظر در مورد ریاست جمهوری زود است چون هنوز کاندیداها مشخص نشده اند و افراد نهایی هم قطعی نشده اند، بنابراین فرصت ارزیابی وجود دارد، اما آنچه فعلاً می توان بیان کرد اینکه ما کاندیدای اختصاصی ریاست جمهوری نخواهیم داشت و از بین کاندیداها نهایی فردی را که در چارچوب اصلاح طلبانه نزدیک به خود تشخیص دهیم حمایت خواهیم کرد، اما در خصوص انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا نظر به داشتن کاندیدا از شهرهای مختلف با همه امکانات موجود از کاندیداها حمایت خواهیم کرد و تلاش خواهیم نمود تا افراد لایق و صلاحیت دار حزبی را برای عملکرد بهتر در حوزه های مربوطه هماهنگ کنیم و یاری کنیم تا هم برنامه خوبی را تدوین کنند و هم پیگیر برنامه ها و مطالبات محلی و شهری باشند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

دفتر شهرستان مشهد علی صابری عنوان کرد: رفع تبعیض از سکونت‌گاه‌های غیررسمی /مزایده‌های ناسالم و کاهش استانداردهای ورزشی دبیر حزب از اراده ملت ایران در شهرستان مشهد با اشاره به پیگیری مطالبات جامعه محلی از جمله رفع تبعیض از سکونت‌گاه‌های غیررسمی و برگزاری مزایده‌های ناسالم و کاهش استانداردهای ورزشی، از حمایت از کار آفرین‌های محلی و موضوع کودک همسری سخن گفت.

به گزارش هفته‌نامه حزب اراده ملت ایران، علی صابری، دبیر حزب اراده ملت ایران در دفتر شهرستان مشهد در راستای شناسایی و پیگیری مطالبات محلی که مبنی بر سیاست‌های موجود در حزب روی داده است در مصاحبه با این هفته‌نامه با اشاره به یکی از مطالبه‌های شهرستان مشهد در مقوله حاشیه‌نشینی، عنوان کرد: دفتر حزب در این شهرستان در پیگیری مطالبات و مشکلات شهری مشهد سندی در ۵ محور با بهره از شناسایی شرایط موجود و مشورت با نخبگان و کارشناسان امر تنظیم کرده است.

صابری با اشاره به اینکه امروزه یکی از چالش‌های عمده کشور، اسکان غیررسمی یا حاشیه‌نشینی است، گفت: سکونتگاه‌های غیررسمی به مناطقی گفته می‌شود که خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است.

وی افزود: عمدتاً سکونت‌گاه مهاجرین و با بخش‌های کمتر بر خوردار کلان‌شهرهاست که محرومیت از خدمات و زیرساخت‌های شهری مناسب و نیز فقدان سند مالکیت رسمی از مهم‌ترین شاخص‌های این سکونتگاه‌هاست که این محرومیت‌ها سبب بروز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود و یکی از بهترین روش‌های کاهش این ناهنجاری‌ها، کاهش فاصله کالبدی از پیکره اصلی شهر و خدمات‌رسانی فراگیر و رفع تبعیض از این سکونتگاه‌هاست.

وی عنوان کرد: به دلیل رشد غیربرنامه‌ریزی شده در این سکونت‌گاه‌ها شاهد تعداد بالای معابری هستیم که قبل از احداث سیستم فاضلاب و کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی در این محدوده‌های شهری زیر بار جمعیتی رفته‌اند و با توجه به تراکم جمعیتی بالای این معابر و همچنین پایین بودن سطح بهداشت این مناطق حل معضلات فاضلاب و آب‌های سطحی در این مناطق از اولویت‌های اصلی است. تا دو معضل اساسی آب گرفتگی منازل و معابر در بارندگی‌ها و بیماری‌های پوستی و عفونی با توجه به راهسازی فاضلاب در معابر کاهش بیابد و حس شهروندی در ساکنان این مناطق شهری افزایش بیابد.

دبیر حامای مشهد با بیان اینکه در شهر مشهد نیز مناطق حاشیه‌ای دارای این معضل اساسی است که می‌توان به بافت محله‌هایی مانند شهرک شهید رجایی و شهید باهنر، گلشهر، جاده سیمان و... اشاره کرد، گفت: در کنار این معابر وجود گودال‌های قدیمی در بعضی از این مناطق نیز باعث تشدید این معضلات می‌شوند که مشخصاً می‌توان گودال فخر و گودال زالی‌ها را نام برد.

صابری عنوان کرد: پیشنهاد می‌شود با توجه به آنکه تعدادی زیادی از گودال‌ها و بافت حاشیه‌ای شهر در منطقه ۵ شهرداری مشهد قرار دارد این منطقه به عنوان منطقه‌ای شروع پیگیری این مطالبه مشخص شود و در فاز اول از شهرداری مذکور گزارش مربوطه (فعالیت‌های انجام داده و فعالیت‌های آتی) اخذ شود و سپس با برداشت معضلات معابر سطح منطقه (با استفاده از ساکنین این محلات) و پس از اولویت‌بندی آن‌ها پیگیری رفع این معضلات از شهرداری منطقه و سایر ارگان‌های ذی‌ربط بود.

حمایت از کار آفرین‌های مشهدی

دبیر حامای مشهد در خصوص حمایت از کار آفرینان ابراز کرد: در مورد دیگری استفاده از پتانسیل شهرداری و شورای محلات از بحث کار آفرینی و حمایت از کار آفرین‌ها را در مطالبات خود قرار داده‌اند و مانند در اختیار گذاشتن ملک‌های شهری به کار آفرین‌ها و استفاده از محصولات کار آفرین‌ها به عنوان جوایز و هدایای شهرداری.

مزایده‌های ناسالم و کاهش استانداردهای ورزشی

صابری با اشاره به دیگر مطالبه محلی مطرح در شهرستان مشهد و بیان اینکه در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در سال ۱۳۸۱ ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات

مالی دولت تغییر کرد، ابراز کرد: بر اساس این تغییر امکان ورزشی دولتی می‌بایست از طریق مزایده به بخش خصوصی واگذار شوند و عملاً دولت تصدی‌گری خود را در حوزه ورزش کاهش دهد تا با کاهش تصدی‌گری دولت و فعالیت بخش خصوصی در این حوزه ضمن بهبود و ارتقاء وضعیت سالن‌های ورزشی با کسب درآمد از این امکان ورزشی دولتی امکان توسعه این امکان ورزشی نیز به وجود بیاید.

وی افزود: در عمل اما برگزاری مزایده‌های امکان دولتی ورزشی در بیشتر موارد نه تنها منفعتی برای ورزش استان و کشور به همراه نداشته بلکه به دلیل رقابت‌های ناسالم در مزایده‌ها، عملاً قیمت‌های کاذب برنده این مزایده‌ها شده و در نتیجه کمیت جای خود را به کیفیت دهد و مستأجران این امکان (برندگان مزایده‌ها) برای تهیه کردن مبالغ بالای مزایده از راه‌های ناصحیح و غیراصولی به کسب درآمد از ورزش بپردازند و با استفاده از روش‌هایی مانند به کارگیری مدرسان بدون کارت مربیگری، افزایش تعداد هنر جو خارج از استاندارد اعلام‌شده، پایین آوردن کیفیت لوازم ورزشی، کاهش زمان ورزش مقدماتی و حرفه‌ای و... این اختلاف قیمت را جبران نمایند.

وی با بیان اینکه واگذاری املاک ورزشی اما تأثیر مهم‌تری هم دارد که با توجه به قیمت‌های بالای خدمات ارائه‌شده در این گونه مراکز، امکان حضور افراد با درآمدهای پایین و متوسط به ورزش سخت یا غیرممکن شود، مطرح کرد: این امر سبب می‌شود از سویی گرایش به ورزش در میان جوانان و طبقات متوسط به پایین جامعه کاهش یافته و عملاً بخش‌هایی از جامعه امکان ورزش را از دست خواهند داد.

این کاهش تحرک سبب بروز بسیاری از مشکلات در حوزه سلامت و تندرستی می‌شود و از سوی دیگر با کاهش گرایش افراد به ورزش امکان ظهور و رشد استعدادهای ورزشی در برخی رشته‌ها به شدت کاهش بیابد که بروز و ظهور این مشکل را می‌توان در رشته‌هایی همچون فوتبال، شنا، تنیس و والیبال بیشتر احساس کرد.

کودک همسری مسئله‌ای اجتماعی؟

صابری با پرداختن به مقوله کودک همسری و اهمیت این موضوع، گفت: پس از گذشت سال‌ها تلاش فعالین حوزه زنان، حقوق‌دانان و اندیشمندان در کشور جهت رفع موانع رشد و پیشرفت زنان و ارتقای حقوق این قشر از جامعه شرایط تا حدودی برای حضور فعال زنان در جامعه فراهم شده، اما هنوز هم شاهد معضلات و مشکلاتی هستیم که آسیب‌های زیادی را برای جامعه زنان در کشور ایجاد کرده است.

وی افزود: این معضلات نه تنها بعد از گذشت سال‌ها و با وجود مطالعات انجام‌شده در کشور و تغییرات در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و... کاهش نیافته است، بلکه به دلایل مختلفی در سال‌های اخیر رو به افزایش نیز گذاشته است.

یکی از انواع این مشکلات، پدیده کودک همسری است. کودک همسری یا ازدواج زودهنگام به ازدواجی اطلاق می‌شود که زوجین یا یکی از آنان به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد. این نوع ازدواج هر دو جنس را متأثر می‌سازد، اما دختران بیشتر در معرض آسیب هستند و آسیب‌ها و عوارض شدیدی را متحمل می‌شوند. به گفته کارشناسان با وجود تحقیقات متعدد صورت گرفته که حاکی از آسیب‌های بالای کودک همسری است این مشکل در برخی از نقاط کشور امری شایع است.

دبیر حامای مشهد عنوان کرد: بر اساس آمار منتشر شده «گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران» توسط مرکز آمار ایران، در بهار سال جاری بالغ بر ۷۰۰۰ ازدواج دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله و یک ازدواج دختر بچه کمتر از ۱۰ سال به ثبت رسیده است، این در حالی است که «لایحه منع ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال» چند سالی است که از سوی معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری به کمیسیون لوایح دولت ارائه و همچنان در انتظار تصویب است. استان‌های خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان در این رابطه سردمدار هستند و خراسان رضوی با ثبت ۶۷۵۹ مورد از ازدواج کودکان در رتبه اول قرار دارد.

صابری با بیان اینکه در این میان شهر مشهد با داشتن بیشترین حاشیه شهر در میان شهرهای بزرگ ایران از این قاعده مستثنا نیست، ابراز کرد: به‌طوری‌که بر اساس آمارهای اخیر ثبت‌شده در ثبت‌احوال خراسان رضوی در سال ۱۳۹۶ یک هزار و ۷۶۰ نفر خانم و ۱۶ آقا در سنین کمتر از ۱۵ سال در شهر مشهد ازدواج کرده‌اند.

وی افزود: البته این آمار وقایعی را نشان می‌دهند که به ثبت رسیده‌اند. عوامل متعددی از جمله فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتیاد، موضوعات قومی قبیله‌ای و غیره در حاشیه شهر مشهد موجب شده است تا این پدیده رواج پیدا کند. بسیاری از خانواده‌های فرودست با اتکا بر این مسئله دختران خود را به عقد مردانی با سنین بالا در می‌آورند و یا دیده شده دختران خود را مورد معامله قرار می‌دهند.

کودک همسری آسیب‌های زیادی نیز برای دختران به همراه دارد. خروج از چرخه آموزش و عدم کسب مهارت توسط دختران، حاملگی‌های زودهنگام و مشکلات جسمی و جنسی، آسیب‌های روانی، وقوع طلاق در سنین پایین و ورود به کودک مطلقگی و... از



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۵
هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

مسیر جایگزین و لزوم توجه به دو طرفه بودن جاده همدان _ انصارالامام _ لاله جین که به دلیل تصادف‌های فراوان به جاده مرگ معروف شده است، خواند.

جایابی کارگاه‌های تعمیر اتومبیل در ورودی و خروجی شهر
وی با اشاره به اینکه کارگاه‌های تعمیرات اتومبیل در ورودی و خروجی شهر موجب ایجاد ترافیک و پارک اتومبیل‌ها و مزاحمت فراوان برای ساکنین مناطق شده است، گفت: ایجاد شهرک کارگاهی جهت انتقال تعمیرگاه‌های واقع شده در حاشیه شهر و مسیرهای ورودی و خروجی شهر از راهکارهای این مقوله است.

توجه به باز یافت زباله و فرآیندهای مربوطه
دبیر حماما دفتر همدان با اشاره به دقت در حذف ضایعات نان و نان‌های کپک‌زده که مورد مصرف خوراک دام و طیور قرار می‌گیرد و در حوزه سلامت شهروندی خطرناک است، عنوان کرد: استفاده از تجربه استان کرمانشاه در باز یافت زباله و دعوت به مشارکت آن‌ها (خانم شیرزادی از افراد موفق است و از شرکت‌های آلمانی آموزش گرفته) می‌تواند از اقدامات عملی در این زمینه باشد.

قدیمی با بیان معطلی کارگران فصلی در فضایی بدون سایه‌بان در فصول تابستان و زمستان و زیر باران و برف و آفتاب که سلامتی آن‌ها را به خطر می‌اندازد، افزود: توجه به محل‌های استقرار کارگران فصلی و ایجاد سرپناه و امکانات بهداشتی و رفاهی در محل‌های مذکور و ایجاد سامانه‌های نرم‌افزاری جهت بهروری در وقت و انرژی کارگران و تسریع در کارایی ایشان می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

حفظ باغات و توجه به حقوق مالکانه
وی با اشاره به اینکه همدان برای جلب توریست نیاز به فضای سبز دارد و حفظ باغات منجر به زیست سنجاب و مهاجرت پرندگان فصلی می‌شود و همین‌طور هوای همدان در ردیف مطلوب‌ترین هوای شهرهای ایران است به‌ویژه در تابستان‌ها که تفاوت بودجه در مناطق مختلف شهری از توسعه متوازن جلوگیری کرده است، عنوان کرد: تشویق مالکان زمین‌های باغی در محدوده شهر به حفظ باغ‌ها و جلب نظر و تشویق آن‌ها به ساخت‌وساز در زمین‌هایی که کاربری غیر باغ دارند و تمرکز همه عوارض دریافتی در حساب مشترک بدون توجه به مناطق شهری را از راهکارهای عملی در این مقوله بر شمرد.

جایابی گورستان و انتقال آن به محلی دورتر
وی بابیان اینکه توسعه شهر همدان موجب شده که گورستان شهر در مجاورت مناطق مسکونی باشد و این موضوع از نظر روحی و روانی برای افراد ساکن در مناطق مجاور مناسب نیست و همچنین در برخی مواقع مراسم تشییع جنازه منجر به ترافیک و انسداد مسیر می‌شود، افزود: انتقال گورستان به ۱۵ کیلومتر جلوتر، جاده ملایر، زمین‌های حاجی آباد می‌تواند انتخابی مناسب در این موضوع باشد.

وی با اشاره به مسیر عبوری کابل‌های فشارقوی برق در مناطق شهرک مدرس و فرهنگیان فاز ۳ که فاصله کمی با منازل مسکونی دارد و برای سلامتی شهروندان مضر است، عنوان کرد: تغییر مسیر تیرهای انتقال برق یا انتقال به زیر زمین در صورت تأیید مهندسی برق می‌تواند در این مقوله مؤثر باشد.

وی مطرح کرد: کابل‌های هوایی انتقال برق در حاشیه بلوار بعثت و بلوار قائم و تداخل آن‌ها با درختان مرتفع و در نظر گرفتن این نکته که هرس درختان، چهره آن‌ها را زشت کرده است، عنوان کرد: انتقال کابل‌های فشارقوی برق از مناطق مسکونی شهرک فرهنگیان فاز سه به جاده تهران و از داخل شهرک مدرس به باغ‌های اطراف از راهکارهای عملی در این زمینه است.

احیاء رودخانه‌های فصلی که در چند مسیر از سطح شهر همدان می‌گذرند
دبیر حمامای همدان ادامه داد: کاشت درختان مرتفع در وسط بلوارها که کابل‌های هوایی ندارند و کاشت درختان کوتاه‌قامت در کنار بلوارها ... و یا عبور کابل‌های هوایی برق از زیر زمین در مناطقی که با درختان مرتفع تداخل دارند می‌تواند در احیاء رودخانه‌های فصلی که در چند مسیر از سطح شهر همدان می‌گذرند مؤثر باشد و باعث ایجاد جاذبه توریستی باشد.

قدیمی با بیان تعریض خیابان رازی در حاشیه بیمارستان بعثت و حمایت از ایجاد هر نوع مکان اقامتی و رفاهی به‌عنوان مطالبه‌ای دیگر، افزود: ممانعت از ساخت‌وساز در مسیر رودخانه‌های فصلی و جلوگیری از ورود فاضل آب در نواحی مسکونی بالادست رودخانه‌ها جهت راحتی هم‌راهن بیمارانی که از سایر شهرها به این بیمارستان مراجعه کرده‌اند می‌تواند از راهکارهای مطرح در این مقوله شمرده شود.

دفتر شهرستان همدان علیرضا قدیمی در راستای مطالبات محلی عنوان کرد: شفاف‌سازی امور پیمانکاران و احیای بافت‌های واجد ارزش

دبیر حزب اراده ملت ایران در شهرستان همدان با اشاره به پیگیری مطالبات جامعه محلی از جمله تقویت سرای محلات، شفاف‌سازی در امور پیمانکاران، احیای بافت‌های واجد ارزش و ... از توصیه به باز یافت زباله و رفع مشکلات ترافیکی مطرح در شهر سخن گفت.

به گزارش هفته‌نامه حزب اراده ملت ایران، علیرضا قدیمی، دبیر حزب در شهرستان همدان در مصاحبه با خبرنگار هفته‌نامه با اشاره به رویکرد جدید حزب مبنی بر پیگیری مطالبات محلی هر یک از شهرستان‌های کشور، ابراز کرد: دفتر همدان نیز این قاعده مستثنا نبوده و با اقدامات مختلف سعی بر شناسایی و گردآوری این مطالبات داشته است.

علیرضا قدیمی با بیان اولویت‌های مطرح در این حوزه، افزود: تقویت و توسعه سرای محل (فرهنگ‌سرا) هادر مناطق کم‌برخوردار و بیکردهای ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی و شناسایی آسیب‌های وارده به مردم و کسب و کارهایشان به‌ویژه در ایام پاندمی کرونا از مطالبات مورد نظر بوده است که در این زمینه اقدام عملی در نظر گرفته شده، دعوت از سازمان‌های نظام پزشکی و نظام پرستاری و نظام روانشناسی برای همکاری مردمی و داوطلبانه در فرهنگ‌سراهای محلات برای ارائه مشاوره‌های مربوطه در زمینه بهداشت و سلامت جسمی و روانی و ثبت شماره‌های تلفن و آدرس مراجعان جهت حمایت‌های بعدی است و چرایی آن نیز، اهمیت توجه به مشکلات روانی ایجاد شده در ایام پاندمی کروناست.

وی با اشاره به شفاف‌سازی پیمانکاران و مجریان طرح‌ها و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و لزوم پاسخگویی آن‌ها بعد از اجرای طرح‌ها به‌عنوان مطالبه شناسایی شده دیگر، گفت: بهره‌از ایجاد سامانه اطلاع‌رسانی دقیق از شرکت‌هایی که در مناقصه‌ها و مزایده‌ها شرکت می‌کنند و همکاران این شرکت‌ها و تاریخ شروع پروژه‌ها و بودجه و همه مراحل اجرا، در راستای دسترسی به این اطلاعات که حق مردم است، اقدام عملی در این زمینه خواهد بود، چراکه گاه‌ا شهروندان از کیفیت و استحکام طرح‌های اجرایی به‌عنوان مثال پل طبقه فوقانی چهارراه میدان بار همدان بعد از مدت کوتاهی مسدود شده است نارضی هستند.

وی توجه به توسعه راسته‌بازارها و کاروانسراها، مرمت و احیاء بافت‌های واجد ارزش با کارکرد اقتصادی، راسته بازارها و کاروانسراها که می‌توانند موجب شرکت اقشار جامعه در چرخه اقتصادی شوند و از گسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ جلوگیری کنند، ضمن اینکه موجب جذب توریست می‌شوند را خواسته دیگری عنوان کرد که می‌توان با ایجاد بخش مهندسی مرمت با ارائه تسهیلات مالی و تخفیف‌های عوارض و پروانه برای ایجاد راسته‌بازارها آن را محقق کرد.

وی افزود: جذب توریست، جمع کردن دست‌فروش‌های و اسکان آنان، بازگشت شهر به دوره تاریخی خود از دلایل پیگیری این موضوع است.

دبیر دفتر حمامای همدان با اشاره به مطالبه دیگر در حوزه سلامت، عنوان کرد: تعبیه محل‌های بهداشتی جهت شست‌وشوی دست‌نظافت و سرویس‌های بهداشتی در محل‌های پررفت‌وآمد و ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی و میدین شلوغ، موضوعی است که باید بدان پرداخته شود و می‌توان در این زمینه، تشویق مالکان و نهادهای مردمی به ایجاد جایگاه‌های شست و شوی دست و صورت در مناطق پرتردد را از راهکارهای عملی آن بر شمرد. وی افزود: اهمیت موضوع ذکر شده در ایام پاندمی کرونا از دلایل چرایی این مطالبه است.

قدیمی بابیان اینکه توجه به مشکل ترافیکی کوی مدنی در ساعات عصر و شب و توجه به مسیر خروجی جاده تهران از موضوعات شناسایی شده دیگر است، افزود: جایگزین کردن یک مسیر خروجی از سمت فرودگاه و یا جورقان به سمت ملایر و توپسرکان و نه‌اوند از اقدامات عملی مطرح در این زمینه است.

وی چرایی این امر را امکان بحران‌زایی در صورت انسداد این مسیر به دلیل نبودن



سیاه چاله های اجتماعی

در علم نجوم سیاه چاله ناحیه ای است با گرانش بسیار بالا که همه چیز را در خود فرو می کشد و هیچ موجودی حتی نور نمی تواند از میدان گرانش آن بگریزد. سیاه چاله ها هم همانند تمام مخلوقات و پدیده های هستی طول عمر مشخصی دارند و طبق نظر دانشمندان عاقبت سیاه چاله ها تبخیر و نابودی است. این بحث مختصر نجوم بهانه ای است برای ورود به بحث سیاه چاله های اجتماعی در کلان شهرهای ایران. بعد از افزایش قیمت نفت و انباشت ثروت در شهرهای بزرگ بخصوص تهران به مرور زمان در بازه های زمانی خاص دهه های ۷۰، ۸۰، ۵۰ و ۶۰ در هر برهه به فراخور موقعیت و حوادث، جمعیت روستانشین به شهرها هجوم آورد و کلان شهرهایی در کشور ایجاد شد که می توان آن ها را به سیاه چاله هایی تشبیه کرد که همه امکانات کشور را می بلعند. بهترین دانشگاه ها، بیمارستان ها، مراکز آموزشی و خدماتی، شرکت ها، مراکز تفریحی و امکانات وسیع تجاری و مالی در این کلان شهرها ایجاد و گسترش یافته اند. بلعیدن استعداد های سایر مراکز اعم از انسانی و طبیعی کلان شهرها را تبدیل به غولی کرده است که هر چه می خورد سیر نمی شود، اشتباه های سیری ناپذیر این غول باعث شد که همه حکومت ها در طی ۵۰ سال اخیر فقط به فکر سیر کردن اشتباه های این مراکز باشند.

این خصوصیت مربوط به کشور ایران نیست؛ ریودوژانیرو و مکزیکو سیتی در آمریکا، ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی، قاهره در شمال آفریقا، تهران، کرج، اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز، شیراز همه اینها نمونه های بارزی از سیاه چاله هایی هستند که به شکل خطرناکی مشغول بلعیدن امکانات کشورها می باشند. این ابر شهرها علاوه بر بلعیدن استعدادها و امکانات کشور مهم ترین خصوصیت بارز آن بلعیدن فقر به داخل خود

است و رود فقر به داخل کلان شهرها که همانند سیاه چاله عمل می کند که مهم ترین عامل فروپاشی ابر شهرها هستند. انفجار این کلان شهرها می تواند همه کشور و نظام را تحت الشعاع قرار دهد. تجمع امکانات و ثروت در داخل شهرهای بزرگ به مرور زمان باعث مهاجرت فقرا به حاشیه این کلان شهرها می شود. کسانی که نمی توانند در داخل سیاه چاله ها زندگی کنند لاجرم در حواشی و اطراف آن سکنی می گزینند و به شهر همانند موجودی بی رحم که تمام توان آن ها را می گیرد نگاه می کنند و ساکنان آن را باعث عقب ماندگی و فقر خود می دانند.

سیاه چاله تهران از دهه ۵۰ به کرات اقدام به بلعیدن ساکنان دیگر شهرها کرده است. آثار آن در ضلع جنوبی خیابان آزادی که در حوالی دهه ۵۰ بلعیده شدن و هنوز کوچه پس کوچه های باریک و خانه های تنگ آن یادآور ادغام نامتعارف آن ها در سیاه چاله تهران است. در دهه ۶۰ و ۷۰ به مرور زمان غرب تهران تا کرج محل بلعیده شدن ساکنین سایر شهرها شد. این روند در دهه ۸۰ و ۹۰ به هشتگرد در غرب و پردیس و بومهن در شرق کشیده شده و به مرور زمان این سیاه چاله همچنان در حال بزرگ شدن است به گونه ای که حدود ۲۵ درصد جمعیت فعال کشور در طول ۱۰۰ کیلومتر زندگی می کنند. سیاه چاله تهران و سایر شهرها در حال بلعیدن فقر از سایر شهرهای کشور است کسانی که فقط برای به دست آوردن هزینه های زندگی به تنهایی در کلان شهرها زندگی می کنند و دسترنج خود را برای خانواده به شهرهای مبدأ می فرستند. این سیاه چاله ها لاجرم روزی منفجر خواهند شد همان طور که نمی توان از روند طبیعی تبخیر و نابودی سیاه چاله ها جلوگیری کرد، روند فعلی نیز ما را به سرنوشت سیاه چاله ها هدایت می کند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



ما محکومیم به روز آمدی، توسعه، اتحاد و گفتگو (۱)

حسن اسدی

شرایط به گونه‌ای برنامه‌ریزی و هدایت شده که فکر می‌کنیم همین که هستیم خوب و ایده‌آل است، هرچقدر میان ما اختلاف بیشتر و تعداد ما کمتر باشد بسیار عالی است و در نهایت معتقد به این شده‌ایم که هر چه می‌گوییم درست‌ترین و به هر کاری که می‌پردازیم

مناسب‌ترین به شأن و زمان است و نیازی به این نیست که باهم بر سر آنچه که باید واقع شود و در شان ما باشد حرف بزنیم این‌ها در جایی، زمانی و میان مردمانی رخ می‌دهد که در دینشان امتی دانسته شده‌اند که وجوه مشترکی (اختیاری و یا غیر اختیاری) مانند دین، زمان یا مکان واحد آن‌ها را به پیروان، گروه، جماعتی که به سوی آنان پیغمبری آمده باشد، تبدیل کرده است تا وارث همه امت‌های پیشین شود و یا بر مبنای آیین و فرهنگ ملی خویش ملتی خوانده می‌شوند که با اشتراک در سرزمین، سرنوشت و قدرت می‌کوشند تا با تشکیل جامعه ملی وظایف و اهداف خود را در متن جامعه بزرگ جهانی به درستی به انجام رسانند و به سهمی متناسب با شأن و شخصیت خود از همه دستاوردها دست یازند

حال اگر به مقصود از شکل‌گیری امت که همانا جانشینی برای امت‌های پیشین است و یا ملت که تشکیل جامعه ملی برای شناساندن خود است توجه نماییم واقف به این اصل می‌شویم که تحقق آن‌ها به خودی خود ممکن نخواهد بود بلکه لیاقت و توانمندی‌هایی را می‌طلبد که دستیابی بدان‌ها تنها در سایه روزآمدی، توسعه، اتحاد و گفتگو ممکن خواهد شد و گرنه مگر ممکن است که در قهر و اختلاف و مهم‌تر از آن‌ها نشناختن زمانه و عمل متناسب با آن، به توسعه که همانا نام عملی و میدانی میراث امت‌های پیشین و جامعه ملی و در اختیار گرفتن سهم دقیق از جامعه جهانی است دست یافت.

برای برقراری ارتباطی حسی با موضوع اجازه بدهید که با انگشت گذاردن روی برخی از خصلت‌هایی که با پروژشان فضا را چنان تیره‌وتار کرده‌اند که هریک از ما و گروه‌هایی که بدان‌ها منتسبیم به راحتی به حاشیه و گوشه‌ای رانده می‌شویم تا دنبال این باشیم که آیا با این اوصاف می‌توانیم خود را امت و یا ملت بنامیم؛ بلند بودن هیاهو و سروصدا از هر سری، صاحب‌نظر دانستن خود در هر امری، گرفتن انگشت اتهام و تردید در هر موضوعی و هر کسی، هواداری متعصبانه از هر جریان و فردی، فراری بودن از کار جمعی و گروهی که بخواهد برنامه و سلسله‌مراتب را رعایت کند، ششم بستن جدی بر منافع و مصالح جمعی و ملی، بی‌توجهی مرضی به اصول و مبانی دینی، هتاک و تخریب همه آن چیزهایی که برای عموم ما ارزش و معیار تلقی می‌شود و بالاتر و مهم‌تر از همه مخالفت عنادورانه با دانش، پژوهش و تحقیق

ایا قبول دارید که اینها خصلت‌هایی حتی نظام یافته و سیستمیک شده در نزد ماست که به شدت خود را در بخش‌های بزرگی از موضوع و اعمال علنی و عمومی مان نشان می‌دهند؟

اگر قبول ندارید پس این همه شکاف میان مای امت و ملت و میان ما و جهان پیرامون ما از چیست و چرا نتوانسته‌ایم در سطح جهانی ظرفیت‌های تحول‌گرایانه و خلافتانه خود را به عنوان جانشین امت‌های گذشته و ملت‌های

و جهان را هوادار و همراه خود سازیم؟ و یا حتی در میان خودمان قادر به این نبوده‌ایم روشن بر سر دست بگیریم و با افتخار بگوییم که گروه من وارثان خلف و صالحی برای امت‌های فکر نمی‌کنم بشود کسی را در میان تمام موفقیت‌هایی که در کشورش به دست می‌آید که از پیشرفت و توسعه‌ای که در کشورهای دیگر و نرخ بر خردداری‌شان بالاتر رود و مردمان آن‌ها سرکشستگی و بدتر از آن عقده نشود.

پس اینکه کسانی پیدا شوند که بگویند تعدادی بد است و یا کسانی در کشور وجود دارند که از نیست با عنایت بدآنچه که در اطراف و اکناف جهان می‌شود حرف چندان معقولی نیست زیرا که مگر

اجتماعی منظم و منضبط و آن‌هم در جهانی که تحول و تکامل تکنولوژی در آن به ثابته شده است کارمان بجایی برسد که برای بحران کم‌آبی و کویری شدن خاک، آلودگی هوا، فقر گسترده، بیکاری، افت ارزش پولی، گسست اجتماعی، افزایش طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، منفی شدن نرخ رشد اقتصادی، اعتیاد، خودکشی، دگر کشی، اختلاس نجومی، در یافتی‌های نجومی، دو قطبی شدن جامعه، نرخ سونامی گونه فرار نیروی انسانی تحصیل کرده، افت ارزش پاسپورت، بالا رفتن نرخ ترک تحصیل، زنان و کودکان خیابانی و ... هر روز اخبار تأسف باری منتشر شود و این احساس در آدمی به وجود نیاید که تحقیر شده است و یا به حقارت کشیده شده است

بله همه فاکتورهای منفی بر شمرده شده عواملی هستند که باعث‌وبانی بروز و زمینه‌ای شدن عقده حقارت در آدمی می‌شوند و این بد نیست منتهمی باید با تزریق انگیزه تلاش و کوشش جمعی سمت بیرون آمدن و یا راه‌ها شدن بلدان داده شود و گرنه با این مفهوم که تعدادی خود را همیشه ناصح و پنددهنده نشان دهند و با شدت و تاکید تمام بگویند که همه این موارد ناشی از توهم است و ما در اصل از بی‌دردت‌ترین و سعادتمندترین جوامع و ملل هستیم و باید شکرش را بجا آورد نمی‌توان تغییر مثبتی در خلق مردمان ایجاد کرد.

اما راه بیرون آمدن از این همه فلاکت چندان هم ساده نیست زیرا همان‌هایی که دیگران را به صرف انگشت گذاردن روی نقایص و محدودیت‌های عربان خود تحقیر انگار معرفی می‌کنند با گستراندن فضای خوش‌باوری و دمیدن در طبل آنکه می‌گویند ما مشکل داریم مزدور و دشمن است اجازه نخواهند داد تا صدا به صدا برسد و با رونمایی از مشکلات و ارائه طرح‌های روشن اتحادی ایجاد شود که نه نتیجه آن سکوت و رضا بلکه تلاش و پرسش باشد پرسش از اینکه در کجا هستیم و به تناسب زمان باید کجا باشیم و این بودن در جایگاه مشخص و مناسب را با چه سطحی از تلاش باید به انجام برسانیم

و این فرایندی است که باید برای تحقیق و پژوهش و مراکز علمی و مطالعاتی را با میدان دادن و قبول داشتن بکار سازمان یافته و جدی دعوت کرد مراکز و سازمان‌هایی که در سطح ایران گسترده‌اند و تنها به دلیل آنکه مورد قبول و در محرومیت امور قرار نمی‌گیرند خود را به حاشیه کشانده و تماشاگر شرایط نامتعارف و ناپهنجاری شده‌اند که دیگرانی که با تحقیق و پژوهش بیگانه‌اند باعث‌وبانی می‌باشند. به راستی نقش و جایگاه مراکز دانشگاهی و پژوهشی کشور در تصمیم‌گیری‌ها و حتی تصمیم سازی‌ها کجاست؟ خوب حال که به تاکید عنوان کردم که ضعف اساسی ما در این است که با هم گفتگو نداریم باید بتوانیم بگویم که چرا به چنین ضعف و محدودیتی گرفتار آمده‌ایم و یا به زبان ساده‌تر مگر می‌شود که با این همه کلنجار و داد و قال کسی مدعی این بشود که میان ما گفتگویی صورت نمی‌گیرد؟

ابتدا به چرایی فقدان فرایند گفتگو اشاره بکنم تا بلکه از متن آن مشخص شود که چرا این همه قیل و قال در فضاهای مجازی و حقیقی را نمی‌توان گفتگو نام نهاد بدون تردید روابط دامنه‌دار، پردوام و منتهی به نتیجه بین افراد، گروه‌ها و ملل اساسا برای رفع نیازها، نارسایی‌ها و کمبودهایی است که به طور طبیعی بر زندگی انسان تأثیر دارند و تحقیق‌شان باعث‌وبانی توسعه و پیشرفت در نزد آن‌ها (فرد، گروه و ملل) می‌شود و صدا بلت که چنین رابطه‌ای برقرار و میسر نمی‌شود و یا نیاز و کمبودی برطرف نمی‌گردد مگر آنکه یک طرف بگوید من نیازمندم و از کمبود و محدودیت در عذابم تا گروه و طرف مقابل با طیب خاطر و یا در متن مذاکراتی طولانی راضی شود تا داشته‌های خود را در مقابل عرضه بدارد که اگر چنین فضایی ایجاد شود یعنی گروهی بگویند که مشکلات‌شان چیست و یا کمبودشان با کدام امکان برطرف می‌شود و طرف دیگر با عرضه داشته‌های خود امکان رفاه و آسایش را تقدیم دیگران بکند آنگاه مسلم است که نیل به تحقق و افزایش ظرفیت‌ها، ثروت، رفاه، صلح و هم‌بستگی، انسان‌ها ممکن می‌شود

حال همین فرض را اگر بخواهیم به این واقعیت هدایت کنیم که در جامعه‌ای که همه چیز سیاه و یا سفید دیده شود و یا هر عنصری که در پیرامون وجود دارد دوست و یا دشمن انگاشته شود و هر ارتباطی به این امر محتمل شود که حتما توطئه‌ای در کار است، تنها تشخیص و قرائت رسمی همه حق است و نمی‌توان بدان آن‌قلتی وارد کرد و در نهایت هر آنکه حرفی خارج از قاعده و رسم معمول می‌زند مزدور است و مأموریت دارد که اختلاف ایجاد کند آیا ممکن است که بشود در رابطه با موضوعی مشترک و مؤثر بر سرنوشت همگانی گفتگو مستمر و هدف‌دار کرد؟

حال اگر در ادامه این سؤال را مطرح کنیم که ما در متن خانواده، جامعه و کشور کی و کجا بدون هراس و اضطراب توان تشخیص نیاز و کمبود را بکار برده و با احصای خواست واقعی به بیان اقدام کرده‌ایم و دیگرانی که ظرفیت‌های برطرف کردن مشکلات و محدودیت‌های ما را داشته‌اند به تقاضا و تمنای ما پاسخ داده‌اند و از ردوبدل شدن این پیام‌ها طرح جامعی از آنچه که در خواست‌شده تولید و ارائه شده است؟

قطع به یقین در این خصوص نیز اقدامی صورت نگرفته است تا جایی که سرمایه‌گذاران بی‌توجه به نیاز بازار وارد می‌شوند و کالاهایی را تولید می‌کنند که همانند آن‌ها بسیارند و هر مدیران ما به کارهای تکراری دست می‌برند که مدیران پیش از آن‌ها بدان دست‌زده و صدمه و خسارت‌های فراوانی بار آورده‌اند و اما در بحث سیاه‌وسفید و یا دوست و دشمن دیدن دیگران که نقل مستمر و جاری تاریخ ماست نیازی به روده درازی نیست زیرا تا آنجا مخرب و مخل در گفتگوست که بعید است کسی از ما شرنگ تلخ آن را تجربه نکرده باشد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

تبیین و بازشناسی سه مفهوم سوسیالیسم، سوسیالیسم دموکراتیک و سوسیال دموکراسی!
علیرضا مقدم

این سه مفهوم هر چند به ظاهر نزدیک به هم هستند تفاوت‌های ماهوی باهم دیگر دارند و از آنجاکه حزب اراده ملت ایران مشی سوسیال دموکراسی را برای خود برگزیده، تبیین این مسئله بسیار حائز اهمیت است.

سوسیالسم:

جامعه‌گرایی socialisme اندیشه‌ای در فلسفه سیاسی که برای ایجاد نظم اجتماعی بر مبنای انسجام همگانی، می‌کوشد تا با لحاظ نمودن عدالت اجتماعی باعث شود تا همه آحاد آن سهمی برابر در جامعه داشته باشند. هدف سوسیالیسم لغو مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی برای صنایع و ابزارهای تولید است. سوسیالیسم را در واقع می‌توان مشی اقتصادی کمونیسم نامید. چرا که در عمل حاصل آن حکومتی کمونیستی از کار در آمد. با اینکه سوسیالیسم منشأ انسانی داشته و به‌ظاهر در حمایت از کارگران، زنان و اقشار ضعیف جامعه است و حتی ریشه آن را از تعالیم انجیل در عهد عتیق می‌دانند که در کتاب جهور افلاطون نیز به آن اشاره شده - جامعه‌ای بدون طبقه و مبتنی بر نظام اشتراکی که در آن طبقه حاکمه هیچ امتیازی نسبت به طبقات دیگر ندارد. سوسیالیسم دموکراتیک:

این نظریه را باید قرائت ایرانی از سوسیالیسم برشمرد، چرا که گروهی از چپ‌های ایرانی به رهبری خلیل ملکی که از حزب توده منشعب شده بودند منتقد جدی انترناسیونالیسم و استیلای شوروی بر احزاب چپ جهان بودند. این نظریه پس از رویگردانی مارشال تیتو (رهبر حزب کمونیست یوگسلاوی سابق) قوت بیشتری گرفت. نظریه‌ای که در واقع منتقد درونی دیکتاتوری پروتلاریا بود و تأثیر عمده‌ای بر حکومت‌های سوسیالیست جهان گذاشت. در کوبا، ویتنام، آلبانی و حتی چین بستری از این مفهوم شکل گرفت که در کنار عدالت اجتماعی، از آزادی‌های فردی و همچنین منافع ملی دفاع شود. سوسیالیسم دموکراتیک، در واقع همان سوسیالیسم بود، اما با لحاظ نمودن عناصر دموکراسی.

سوسپال دمو کراسی: از آنجاکه سوسیالیسم هواداران سینه‌چاک خود را در اروپا داشته و حتی تا آمریکای کاپیتالیسم ریشه دوانیده بود، در مواجهه و چالش با نظام سرمایه‌داری و آزادی خواهی امتزاج ویژه‌ای با لیبرالیسم و دموکراسی یافت و متوجه دیکتاتوری اکثریت به عنوان یک آسیب جدی در نظریه دموکراسی شد، به خاطر همین به نظر می‌رسد مفهوم سوسپال دموکراسی با روی کرد «لیبرال سوسپال دموکراسی» تبیین کاملتری از نظریه دموکراسی به دست می‌دهد. چرا که با پایان یافتن قرن بیستم لیبرالیسم دستخوش تحول و تکامل گردید.

از یک سو به نگاه و برداشت افراطی تری رسید تا با ارائه شعارها و ارزشهایی چون تجارت آزاد، بازار آزاد و حمایت از کار آفرینی و تولید، قرائت ونسخه خشن و صریح تری از لیبرالیسم سرمایه محور ارائه نماید. دیدگاهی که پوپر و تاجر نمایندگان رسمی آن بودند، این نوع لیبرالیسم، نتولیرالیسم نام گرفت. اما نگاه دیگری به لیبرالیسم که نسخه معقول و معتدل تری از آن بود و با حفظ باورهای عصر روشنگری و سرمایه داری خصوصی وجود داشت، برداشتی که مجبور شد تا حقوق اساسی و منافع فردستان و کارگران را در راستای تشویق به کار بیشتر و همچنین خنثی ساختن گرایشات انقلابی آن ها لحاظ نماید.

در پس و پشت سوءاستفاده‌های عصر صنعت، سرمایه‌داری همواره در معرض خطر انقلاب و حرکتهای قهرآمیز از طرف طبقات پایین اجتماعی قرار داشت و برای جلوگیری از این تهدید مجبور بود تا معاش و درمان و حداقل‌های زندگی آن‌ها را در نظر بگیرد تا کلیت نظام سرمایه از این آسیب بزرگ در امان بماند. و چون سوباپ اطمینان، عمل، نمایندگی، به بیان دیگر، معنای سوسپال، دموکراسی، را حلقه اتصال، و یونود سرمایه‌داری و پرولتاریا (سرمایه‌دار و کارگر) نامید.

برای برخورداری هم‌زمان انسان از آزادی و برابری و گذار به دموکراسی شرافتمندانه به‌عنوان غایت آمل و آرزوهای انسان باید آزادی و برابری به‌عنوان دو ارزش بزرگ انسانی هم‌زمان به‌دست می‌آید و برای نیل به این هدف چاره‌ای جز تلفیق دو نظریه افراطی سوسیالیسم و لیبرالیسم نبود تا بتواند با حذف نقاط افتراق و تأکید بر نقاط اشتراک و ایجاد یک انسجام و سازگاری منطقی، فلسفه سیاسی مبتنی بر علم و تجربه به‌دست دهد.

در این مقال و برای درک بهتر این مفهوم، یک نکته بسیار حائز اهمیت است؛ شباهت لفظی و ظاهری بین دو مفهوم

سوسیال دموکراسی با سوسیالیسم و اینکه ما پیش از پرداختن به سوسیال دموکراسی به تاریخچه سوسیالیسم اشاره نمودیم شاید این امر مشتبه شود که سوسیال دموکراسی نسخه‌ای از سوسیالیسم است!

در حالی که سوسیال دموکراسی در واقع نسخه‌ای از دموکراسی بوده و صفت سوسیال بر اسم دموکراسی نشسته است. کما اینکه در زبان انگلیسی همواره صفت قبل از اسم می‌نشیند. بنابراین همان طور که اشاره شد سوسیال دموکراسی (مردم‌سالاری عدالت‌محور) نسخه تکامل یافته نظر به دموکراسی است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی، ماه ۱۳۹۹

حزب، جامعه و حکومت سیاسی



امروزه وجود احزاب یکی از ضروریات جوامع بشری محسوب می شود به طوری که یکی از مؤثرترین نهادهای تأثیرگذار بر روندهای تصمیم گیری و اجرایی کشور بوده و به عنوان حلقه واسطه بین مردم و حاکمیت سیاسی عمل می کند.

در جوامع مدرن و نظام های سیاسی مبتنی بر دموکراسی، هم اندیشی کاملی نسبت به ضرورت حزب و وجود دارد و از احزاب به عنوان چرخ دنده ماشین دموکراسی و رکن چهارم آن یاد می کنند. با پیروزی انقلاب مشروطه و با شروع کار مجلس اول، عملاً شیوه جدید حکومت در ایران آغاز گردید. در دوره اول تنها از انجمن ها به عنوان تشکیلات سیاسی ابتدایی در ایران می توان نام برد. اما در دوره دوم احزاب سیاسی در عرصه سیاست ایران شکل گرفتند. روی هم رفته احزاب از مجلس دوم آغاز به کار کرده و تا مجلس پنجم رشد نسبتاً ناچیزی داشتند، و بیشتر وقت خود را صرف کوبیدن و از میان برداشتن رقیب خود می کردند و به جای رقابت سیاسی

دست به ستیز سیاسی می زدند. در حالی که مطابق تعاریف «واینر» و «الپومبارا»، اگرانیسم یک حزب متکی بر چهار شرط اصلی و اساسی است: نخست آنکه، وجود حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیان گذاری آن فراتر باشد. به این معنی که پیشینه و عقبه فکری آن پیش از بنیان نهادن حزب وجود داشته باشد.

دوم اینکه، تشکیلات حزبی دارای سازمان مستقر در محل، همراه با زیر مجموعه هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابل داشته باشند.

سوم اینکه، اراده رهبران ملی و محلی سازمان برای کسب قدرت استوار باشد.

چهارم اینکه، حزب باید در پی کسب حمایت عمومی باشد و از پشتیبانی مردم برخوردار باشد.

به طور کل حزب سیاسی به سازمان ها و گروه های بنیان یافته، منظم و مرتبی که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده اند و منافع و هدف های نیروهای اجتماعی گوناگون را بیان می کنند و خود هم به درستی وسیله عمل سیاسی آنان هستند، گفته می شود. احزاب یکی از جایگاه های مهم اعمال تربیت سیاسی افراد در راستای نهادینه کردن مشارکت سیاسی در سطح جامعه هستند. مشارکت سیاسی یعنی فرایندی که شخص در خلال آن نقشی را در حیات سیاسی جامعه اش ایفاء کند و این فرصت را داشته باشد که در وضع و تبیین اهداف و ارزش های عمومی برای جامعه، سهم و شریک باشد که این نیز از طریق فعالیت های سیاسی در جامعه امکان پذیر است. کار حزبی نیازمند روحیه اعتماد به دیگران، خردورزی، هدمندی و پذیرش بروکراسی (رابطه سلسله مراتبی، قانونی و رسمی) است. کارویژه ها و کارکردهای احزاب واقعی، همواره موجب ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی است. یکی از کلان ترین و بهترین نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سیستماتیک ساختاری - کارکردی است.

در این راستا، احزاب در هر نظام سیاسی تلاش می کنند افراد خود را بر مبنای چهارچوب نظری و مطلوب علمی و عینی خویش شناسایی و پرورش دهند و به نخبگان سیاسی خویش دست بایند. در نظام های مدرن غربی و یا در سیستم های حکومتی مارکسیستی بنا بر الگوهای خاص افراد را پرورش و ارتقا داده و می دهند. در این بین تجربه موفق برخی کشورها و نظام های سیاسی قابل توجه است. این مفهوم عبارت است از یک برنامه و فرایند چندمرحله ای که طی آن افرادی شناسایی بر اساس سوابق، تجربیات، توانمندی ها، و شایستگی ها و استعداد های مختلف در فضای فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی پرورش می یابند و آموزش های لازم را طی می کنند، تا بتوانند در مقامات و مناصب مختلف اجرایی و سیاسی ایفای نقش نمایند. الگویی که در کشورهای مدرن و پیشرفته تجربه شده و توانسته شایسته سالاری را با این هدف نهادینه سازد.

احزاب و تشکلهای سیاسی به واسطه نوع حضور و فعالیت هایی که در سطح اجتماع می پذیرند، می توانند افرادی را که تمایل و فعالیت سیاسی دارند شناسایی و آنها را تحت آموزش های سیاسی لازم قرار دهند. اما متأسفانه در کشور ما به معنی واقعی احزاب شکل نگرفته است و به اذعان بسیاری از صاحب نظران در وضعیت چندان مطلوبی نیستیم.

باتوجه به اینکه احزاب محملی برای مشارکت سیاسی افراد و تربیت سیاسی آنان است، می توان - به درستی - به عملکرد صحیح و نقش مهم و کلیدی احزاب در این امور به منظور جلوگیری از حضور اپورتونیست ها (افراد فرصت طلب) در درون تشکیلات و متعاقب آن حضور در ساختارهای سیاسی کشور اشاره کرد که عدم توجه به آن منجر به بروز مشکلات درونی در احزاب و به تبع آن دامن زدن به ناکارآمدی در احزاب خواهد شد.

زیرا که این قبیل افراد با حضور خود در فعالیت های سیاسی، همواره امکان تکیه بر اریکه قدرت را پیدا می کنند و در صورت فقدان شایستگی و عدم برخورداری از توانایی فکری و مدیریتی لازم، باعث ایجاد بدبینی و بی اعتمادی نخبگان و مردم به احزاب می شود. جلوگیری از این امر مستلزم پیشگیری است، به اعتقاد هارولد لاسول، در سیاست هم همانند علم طب می توان وضعیت پیشگیری برقرار نمود و از صعود افراد بیمار، دیکتاتور، شرور و... به قدرت جلوگیری کرد، و این پیشگیری را از طریق آموزش سیاسی صحیح امکان پذیر می داند. بدین وسیله می توان عرصه سیاست را با آموزش سیاست به افراد قبل از کسب قدرت مدیریت کرد. لاسول بر مبنای مطالعات خود، در پرونده های بالینی بعضی فعالان سیاسی چنین نتیجه گرفت که رهبران سیاسی کشمکش های پنهان درونی خود را در قالب نمادها و اهداف عمومی و به عنوان منافع مردم و به صورت منطقی جلوه می دهند!

مطابق نظریه لاسول در بحث سیاست پیشگیری، می توان از ظهور شخصیت های بیمارگونه در مصدر قدرت جلوگیری کرد و افراد علاوه بر اینکه سایر آموزش های لازم را می بینند و سلسله مراتب را طی می کنند و در این پروسه شایستگی های ایشان محک می خورد، از جنبه های بالینی و روان شناسی نیز مورد بررسی قرار می گیرند. به طور کلی حرکت جامعه در وضعیت وجود ساختارها و نهادهای رسمی مانند احزاب سیاسی مستقل، همواره به سوی نهادینگی و توسعه یافتگی است، در حالی که در صورت عدم رشد و ناکارآمدی احزاب و حاکم بودن ساختارها و گروه های غیررسمی، جامعه به سمت توسعه نیافتگی سیاسی و اقتدارگرایی پیش خواهد رفت. در این میان دالایی از جمله نبود آموزش کافی در حزب، عدم وجود کادر سیاسی مناسب، بی توجهی به گردش نخبگان و نیروهای جدید در داخل حزب موجب می شود تا احزاب نتوانند حتی به هنگام تأسیس، نقش مؤثری ایفا کنند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

سه روی سکه! طب مدرن در برابر طب سنتی

در صد سال اخیر یکی از بحث‌های مطرح در فضای عمومی کشور ارجحیت یکی از انواع طب سنتی و مدرن، بر یکدیگر بوده است. تقریباً از اواخر قرن قبل که با حضور پزشکان فرانسوی، طب مدرن وارد ایران شد این مسئله نیز مطرح شد. در سال‌های اخیر، هم به علت گرایش عمومی در سطح جهان به طب جایگزین و هم به دلایل اعتقادی در ایران این بحث مجدداً وارد عرصه‌های عمومی شده است. در بحران

اخیر ناشی از بیماری کووید ۱۹ نیز مجدداً این بحث مطرح گردید و موافقین و مخالفین متعددی در مورد آن نظر دادند. در این میان دو مبحث طب جایگزین و مکمل و طب اسلامی نیز باعث خلط شدن موضوع شدند و چهار چوب بحث در این مورد را پیچیده‌تر کردند؛ لذا شاید بهتر باشد در ابتدا به توضیحی در مورد این واژگان بپردازیم: طب مدرن: از قرون ۱۸ و ۱۹ روش‌های تجربی جدیدی، هم در حوزه طبابت و هم در حوزه مراقبت‌های پیرامونی از بیماران به تدریج شکل گرفت. نقطه اوج این فرایند، ارائه نظریه میکروبی در مورد بیماری‌های عفونی بود که توسط لوئی پاستور در اواسط قرن ۱۹ ارائه شد و بعداً نظریه‌های دیگر مثل نظریه ژنتیک و نظریه تقسیم سلولی نایجا (سرطان) به کمک آن آمد. بنیاد طبابت نوین در حدود ۱۵۰ سال اخیر بر پایه این نظریات است و کارآمدی خود را در بسیاری از حوزه‌ها نشان داده است. امروزه این طب را با عنوان طب مبتنی بر شواهد می‌شناسیم.

طب سنتی: طب سنتی به مجموعه روش‌های طبابتی اطلاق می‌شود که تا ۱۵۰ سال پیش در نقاط مختلف دنیا و بر اساس نظریات مختلف ارائه می‌شده است. از طب سنتی چین در شرق که بر پایه نظریه پنج عنصر بنیادین بوده است تا طب سرخ‌پوستی در غرب که بر پایه نظریه روح گیاهان است. طب جایگزین و مکمل: واژه طب جایگزین و مکمل در چند دهه اخیر وارد حوزه ادبیات پزشکی شده است و بر روش‌هایی دلالت دارد که در حیطه پزشکی مدرن قرار نگرفته یا اثربخشی آن‌ها اثبات نشده، رد شده، غیر قابل اثبات یا زیان‌بخش است. سازمان بهداشت جهانی بعضی از روش‌های طب مکمل را به تدریج و بعد از اینکه اثربخشی آن‌ها مورد اثبات قرار گرفت وارد حیطه پزشکی رسمی نموده است. بخشی از طب سنتی خارج از بستر فرهنگ سنتی در این حوزه قرار گرفته است. طب اسلامی: طب اسلامی در حقیقت روش‌های طبیبی را در برمی‌گیرد که در احادیث و سنت‌های اسلامی بر آن‌ها تأکید شده است و قاعداً مشمول روش‌های طبیبی در قرون اول تا سوم هجری در منطقه حجاز و عراق می‌شود که البته در بسیاری از موارد با طب سنتی موجود در این مناطق مشابهت دارد.



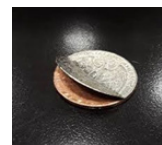
روی اول سکه!

طب سنتی غالب در حوزه تمدنی ایرانی بر پایه طب یونانی و بر اساس فرضیه بنیادی آن، یعنی نظریه مزاج‌ها و اخلاط چهارگانه بنیاد نهاده شده است. این طب در یونان و توسط جالینوس و بقراط بنیان نهاده شده است و در ایران توسط ابوعلی سینا و رازی کامل‌تر گشته است و تا حدود ۱۰۰ سال پیش - یعنی بیش از هزار سال - آئین اصلی طبابت در ایران بوده است. این طب و فرضیه بنیادین آن در مقابل مکاتب قدیمی‌تر طبی که بیشتر مبتنی بر فرضیات مابعدالطبیعی بودند قدم علم کرد و با توجه به نظریه بنیادین آن، کارآمدی بیشتری را از خود نشان داد. بخش گیاه درمانی این طب توانست با استفاده از روش‌های آزمون و خطا و در طی قرون متمادی در کاهش درد و آلام بیماران مؤثر باشد. فرضیه بنیادین این طب بیان می‌کند که عدم تعادل بین چهار خلط بدن منجر به ایجاد بیماری می‌شود و برای بازگرداندن سلامت لازم است با روش‌هایی نظیر حجامت این تعادل را به بدن برگرداند. فرضیه بنیادین این مکتب طبی در هماهنگی با سایر فرضیات علمی زمان خود در حیات (هفت آسمان) و شیمی (چهار عنصر) بود. این فرضیه بنیادی در حال حاضر رد شده است و شواهد علمی دال بر صحت آن وجود ندارد. لذا تمام قسمت‌های طب سنتی که مبتنی بر این فرضیه هستند کم‌کم یکن تلقی می‌گردند. البته بخش‌هایی از این مکتب که مبتنی بر شواهد تجربی بوده است (مثلاً اثربخشی ترنجبین بر زردی کودکان یا اثر تسکینی بعضی گیاهان بر درد) کم‌کم معتبر می‌باشند.



روی دوم سکه!

طب مدرن کلاً فرضیات و مبانی دیگری دارد که شروع آن با کشفیات پاستور و مندل در حوزه میکروبی‌شناسی و ژنتیک بوده است و درمان‌های فعلی نیز بر همین مبانی نظری بنیان نهاده شده است. در حال حاضر چهار تئوری بنیادین اکثریت بیماری‌ها را در این طب توضیح می‌دهد: نظریه میکروبی برای توجیه بیماری‌های عفونی، نظریه تغییرات در سطح ژنی برای بیماری‌های ژنتیکی، نظریه تقسیم سلولی نایجا برای توضیح سرطان‌ها و نظریه تغییر یا کمبود در مواد سازنده بدن برای توضیح بیماری‌های متابولیک. طبعاً تا زمانی که این نظریات علمی معتبر هستند و شواهدی دال بر رد آن‌ها وجود ندارد لازم است که روش‌های طبی بر همین مبانی باشد. طب مدرن که اکنون آن را طب مبتنی بر شواهد می‌نامیم بر مبانی پژوهش‌های تجربی و شواهد آزمایشگاهی بنیان نهاده شده است. در این طب هر درمان یا دارویی باید طبق یک روش بسیار دقیق و قابل آزمون، مورد سنجش چندین گروه مختلف از پژوهشگران قرار گیرد تا به عنوان یک درمان جدید پذیرفته شود؛ لذا حتی اگر تئوری دقیقی برای توضیح یک درمان وجود نداشته باشد لااقل شواهد تجربی مشخصی برای آن درمان وجود دارد. مثلاً، ما ممکن است ندانیم چرا دیالیز در درمان کرونا مؤثر است؛ ولی با چندین مطالعه تجربی فعلاً می‌توانیم مؤثر بودن آن را نشان دهیم تا به مرور زمان تئوری مربوطه را نیز کشف نماییم. همین بخش است که نقطه اتصال بین طب مدرن و سنتی می‌تواند باشد. نظریات طب سنتی اکثر اوقات شده‌اند ولی ممکن است بر اساس مطالعات تجربی یک روش درمان سنتی را بتوان ثابت کرد و بعد به کار بست. (مانند استفاده از ترنجبین در درمان زردی نوزادان)؛ لذا اکنون در تمام دنیا روش‌های درمانی مورد ادعای طب سنتی به آزمون گذاشته می‌شوند و در صورت مؤثر بودن به مجموعه درمان‌های رایج اضافه می‌شوند. با این روش بسیاری از داروهای گیاهی که سالیان سال مورد استفاده در سراسر دنیا بوده‌اند، وارد سیستم درمانی مدرن شده‌اند.



روی سوم سکه!

در این دعوی مابین طب مدرن و سنتی، طب مدرن درخواست بسیار ساده‌ای دارد: درمان‌های قدیمی را به آزمون بگذارید! اگر یک داروی قدیمی یا روش درمانی، از پس روش‌های مدرن و دقیق سنجش و ارزیابی برآمد، می‌تواند در فرایند نظام سلامت وارد شود و اگر نیامد باید بی‌هیچ تردیدی کنار گذاشته شود. (مثلاً روش درمانی حجامت به شیوه‌های مختلف به آزمون گذاشته شده است و مؤثر بودن آن ثابت نشده است) طب مدرن می‌گوید بحث در مورد تئوری‌های قدیم و نظریات باستانی و احادیث و جملات قصار مرتبط با سلامت پیشینیان را کنار بگذارید و درمان‌ها و داروهای خود را در معرض سنجش قرار دهید. اگر درمان و دارویی مؤثر بود آنگاه می‌توان در مورد علت آن کنکاش کرد و تئوری مرتبط با آن را کشف نمود. خوشبختانه روش‌های پژوهشی مدرن آن قدر دقیق و پیچیده هستند که خطای بسیار کمی دارند. طب مدرن معتقد است تا شواهد تجربی معتبری برای یک درمان وجود نداشته باشد ما اخلاقاً اجازه نداریم آن را برای جامعه تجویز نماییم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

فضای مجازی و تدریس مجازی فاطمه امامی

تدریس مجازی فرصتی برای سیستم آموزشی کشور شد تا شاید خطاها و نقص های آموزشی خود را برطرف نماید. در مدارس مجازی، حضور معلم سر کلاس، همراه با حضور معاون یا مدیر مدرسه به عنوان ناظر آموزشی، کنترل کلاس را از نظر کیفیت زیر ذره بین قرار می دهد. کوچک ترین خطا چه از نظر علمی و چه از نظر وجدانی از نظرها پوشیده نمی ماند. فضای مجازی الزام توانایی علمی والدین را در مقطع ابتدایی ایجاد کرد. اگر آموزش و پرورش تدریس مجازی را در آینده نزدیک که شرایط روند بیماری مساعد باشد، احتمال حضور کم دانش آموزان را در مدرسه ایجاد کند، به تبع آن، لزوم بچه دار شدن، توانایی علمی والدین را طلب می کند که خود از مزایای تدریس مجازی است. والدین در تدریس مجازی باید یک سری قوانین را رعایت کنند و حضور آن ها در کنار فرزندانشان، استقلال و توانایی آن ها را کاهش ندهد. این فرزندان دیر یا زود وارد فضای فیزیکی مدارس خواهند شد و باید به تنهایی پاسخگوی مطالب درسی باشند. نظارت والدین در فضای مجازی شاد می تواند به طور موازی و نامحسوس باشد که اعتماد به نفس فرزندان خدشه دار نشود. می توان در کنار دستگاهی که دانش آموز استفاده می کند والدین در مکانی دیگر وارد شاد شده و رفتار فرزند خود را از نظر پاسخگویی و انضباط کلاسی کنترل کنند. دانش آموزان اگر قبل از کرونا، والدین یا اطرافیان در کارهای کامپیوتری آن ها را کمک می کردند ولی در شرایط جدید، دانش آموز مجبور شده که خود بیاموزد و استقلال پیدا کند.

در تدریس مجازی همراه با شفافیت کلاس با حضور مسئولین مدرسه، در دانش آموزان اعتماد به نفس و تفکر انتقادی را ایجاد کرد. در شرایط استفاده از موبایل یا تبلت برای حضور در کلاس، دانش آموزان درک کردند که این وسیله، واسطه ای برای ارتباط آن ها با کلاس درس و فضای مجازی است و با اتمام کلاس و تکالیفشان آن را کنار می گذرانند به دلیل اینکه تجربه ی تلخ آسیب به چشم و گردن را داشته اند، برای آن ها دیگر اشتیاق استفاده از این وسایل مثل قبل نخواهد بود مگر از روی نیاز. شاید دیگر دوست دارند آن را رها کنند و به بازی های فیزیکی بپردازند.

تدریس مجازی در دانشگاه ها مطلب تازه ای نیست. چون قبلاً دانشگاه الکترونیک وجود داشته است. البته برنامه ی آن به وسعت این مرحله نبوده و امتحانات حضوری هم، غیر حضوری شده است. تدریس مجازی در دانشگاه ها هم، اساتید را زیر ذره بین قرار داد. در کلاس های حضوری دانشگاه ها، هیچ کس در هیچ جایگاهی بر طبق قانون آموزشی و احترام جایگاه استاد، اجازه ی ورود به کلاس استاد را نداشته ولی در کلاس مجازی امکان کنترل و حضور و غیاب دقیق استاد بدون هیچ خطا و سفارشی انجام می شود. کم کاری و خطای استاد از هیچ نظری دور نمی ماند و این باعث بالا بردن کیفیت آموزشی می شود. اساتیدی که واقعا توانایی علمی ندارند و با به هر طریقی وارد سیستم شده اند. خطای تدریس و کم کاری آن ها دور از چشم فضای الکترونیکی و مدیریت آن نمی ماند. تدریس مجازی در دانشگاه ها برای دانشجویانی که به دلایلی غیبت می کردند، فرصتی ایجاد کرد که غیبت دیگر معنایی ندارد. در هر گوشه ای از دنیا می توان سر کلاس درس حاضر شد. در زمان قبل از کرونا دانشگاه ها با دانشجویانی سرو کار داشتند که روند کار الکترونیک و کامپیوتری آن ها ضعیف بود و همیشه از دیگران کمک می گرفتند ولی با شرایط ایجاد شده همه مجبور شدند که خودشان را با شرایط کنونی و سواد کامپیوتری و فضای مجازی به روز کنند، و گرنه باید درس و کلاس را کنار بگذارند. شرط ماندن به روز شدن است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



عَدَنان

بعضی وقت‌ها دلخوشی آدم می‌شود رفتن مرخصی عدنان، بعد از بیست و پنج روز!

عدنان نگهبان عراقی بود در اردوگاه که دستش قدرت عجیبی داشت و قلب سنگش سختی‌ای عجیب‌تر. نه دلش می‌سوخت وقتی می‌زد و نه خسته می‌شد از زدن. چشم‌های گرد و ریزی داشت و هیکل درشتی، از چشم‌هایش وحشت می‌بارید، انگار عاطفه را در زندگی‌اش لمس نکرده باشد، وقتی کشیده می‌زد و کسی پرت نمی‌شد برای همه ما تعجب‌آور بود. پرده‌اش گوش خیلی از بچه‌ها در همان اردوگاه با کشیده‌های عدنان پاره شد و من کم‌شنوایی این روزهایم را مدیون او هستم! کابل که به کمر بچه‌ها می‌زد واقعاً گوشت و پوست بود که با کابل بلند می‌شد!

بدبختی بالاتر این بود که فارسی‌اش هم خیلی خوب بود. صدای دور که و ضخیمی داشت و وقتی می‌گفت "حالا ببین چه کارتون می‌کنم" واقعا بدن مان به لرزه می‌افتاد، می‌دانستیم همان روز چند مجروح سخت خواهیم داشت. و زبان بی‌چفت و بند و کثیفش ... به ائمه بد و بیراه می‌گفت، به حضرت زهرا، به امام خمینی، حتی به خدا! وقتی موقع کابل خوردن خدا را صدا می‌کردیم، می‌گفت این قدر خدا خدا نکنید! اگر دستم می‌رسید خدا را هم می‌کشیدم پایین، او را هم کابل می‌زد.

می‌شمردیم کی ۲۵ روز حضور او تمام شود پنج روز برود مرخصی، نفسی بکشیم. سربازان عراقی در زمان جنگ ماهی پنج روز مرخصی داشتند و همین هم بیشتر عصبی‌شان می‌کرد. بیست و پنج روز بی‌خانواده بودن. به آنها الفاکرده بودند مسبب همه بدبختی‌شان ما هستیم، برای همین از ته دلشان کتک‌مان می‌زدند.

یک روز که عدنان رفت مرخصی بعد از پنج روز نیامد، ده روز شد نیامد، یک ماه نیامد، خوشحالی بچه‌ها قابل وصف نبود، انگار دنیا را به ما داده باشند. عدنان رفته بود از اردوگاه، و دیگر نمی‌آمد ... اما طبق معمول خوشحالی ما طولانی نبود! بعد از حدود شش ماه باز عدنان پیدایش شد. برگشت. اما این دفعه خودش نبود! ساکت و بی‌حرف شده بود، دستش را روی هیچ کس بلند نمی‌کرد، حتی وقتی فرمانده اردوگاه دستور کتک عمومی را می‌داد عدنان ادای زدن ما را در می‌آورد و نمی‌زد. شب‌ها موقع نگهبانی نگاهش را به نقطه‌ای می‌دوخت و همه‌اش فکر می‌کرد. با هیچ کس حرف نمی‌زد و هیچ کس نمی‌دانست چه شده، و طبق معمول هزار شایعه. یکی می‌گفت خانواده‌اش در تصادفی همه کشته شده‌اند، یکی می‌گفت این چند ماه را زندان بوده، یکی می‌گفت سرطان گرفته، ولی هیچ کدام نبود. یعنی هیچ کس نفهمیده بود چه شده.

یک روز یکی از اسرا خلاقی را مرتکب شد که

همه ما را هم عصبانی و کلافه کرده بود، چیزی را از اسیر دیگری دزدیده بود. شاید نان، شاید سیگار یادمان نیست. مسئول اسایشگاه به عدنان گزارش کرد. عدنان اسیر را صدا کرد و با حالتی بسیار عصبانی در حالی که خودش را به زحمت کنترل می‌کرد یک جمله به او گفت:

- ببین، من "ادم" شدم! تو نمی‌خواهی "ادم" شوی. و دستش را هم بلند نکرد بزندش. حس کردم بعضی توی گلو ی عدنان جا کرده. شاید از گذشته‌اش خودش بدش می‌آمد شاید واقعا برگشته بود شاید ادم شده بود ...

و بعضی که فرو داد به گلو ی من که هنوز باقی مانده خدایی که عدنان را ادم کرده بود کی قرار است ما را ادم کند ... کی قرار است ما ادم شویم؟!

مثل همان شهیدان

می‌گویند فیلش یادش هندوستان کرده. آخر این فیل همه‌اش یاد هندوستان است. مگر می‌شود یادش برود اینجا بچه‌باغ بسیزی داشت، چه خانواده‌ای، چه دوستانی، چه زندگی‌ای. آورده‌اندش درون یک قفس رنگ‌زده، می‌گویند آب و غذایت هست، دیگر چه می‌خواهی؟! بخور، بخواب، به هیچ چیز کار نداشته باش. ماصاحب توایم! او دلش هندوستان می‌خواهد، هندوستانش را شما که زبان فیل را نمی‌دانید. شما که احساسات فیل را نمی‌فهمید، بروید دنبال کارتان.

گاهی دلم خیلی تنگ شهیدان می‌شود. نه که از زندگی سیر باشم، مگر شهیدان از زندگی سیر بودند؟! آن‌ها سرشار از امید و عشق به زندگی بودند. امشب همه‌اش فکر می‌کردم شهیدان اگر الان بودند یعنی مثل ما گوشه‌ای می‌گرفتند و می‌گفتند به ما چه؟!

یعنی اگر بودند ممکن بود بگویند مردم همه در اشتباه‌اند و فقط ما می‌فهمیم؟! یعنی بودند می‌گذاشتند بچه‌های جانباز و خانواده‌های شهدا سخنگو پیدا کنند و حاکمیت هر چه خودش دلش خواست از زبان آنها بگوید؟ یعنی می‌گذاشتند پرسش‌های مردم همه بی‌جواب بماند.

هیچ کس نکوید با حقوق سه میلیونی چطور می‌شود امپول چند میلیونی خرید، چطور می‌شود اجاره چند میلیونی داد، چطور می‌شود زندگی کرد؟! یعنی اگر شهیدان بودند همین که خانه‌ای می‌گرفتند و ماشین می‌شدند مدافعان سینه‌چاک این و آن ...

یعنی آنها هم به مردم پشت می‌کردند ... یعنی آنها هم بعد از جنگ مثل ما ترسو می‌شدند و می‌گفتند فضا به آلوداست! شکنند اشتباه کنیم، سکوت بهترین راه است! یعنی آنها هم قبول می‌کردند چند نفر بیشتر از همه می‌فهمند؟

من سخنگوی آنها نیستم، اما با بسیاری‌شان بوده‌ام، و می‌دیدم؛ نماز که می‌خواندند جز خدا را نمی‌دیدند تیر که می‌آمد سرشان را نمی‌دزدیدند وقتی می‌گفتند عملیات را شروع کنید نمی‌پرسیدند، نشد چه کنیم ... غذا که می‌گرفتند به فکر بودند نکند کسی گرسنه مانده باشد.

و هر روز فکر می‌کردند ممکن است آن روز، آخرین روز زندگی‌شان باشد.

می‌گویم آخر آنها مگر می‌شد ساکت باشند و در خانه مگر می‌شد ببینند ظلم را و آرام بگیرند مگر می‌شد چشمشان را ببندند بر واقعیت‌ها مگر می‌شد نشنوند صدای ضعیف‌دستان را صدای مردم گرفتار و در مانده را صدای خرد شدن استخوان‌ها را و دم بر نیاوردن مگر می‌شد؟

همین است که دلم برای‌شان خیلی تنگ می‌شود و دوست ندارم هرگز کسی آنها را مرده ببیند دوست ندارم هیچ کس آن‌ها را مصادره کند دوست ندارم هیچ کس صاحبشان شود ... هیچ کس فکر کند یکی‌شان، حتی یکی‌شان برای حاکمیت آنها جان دادند ...

می‌دانم شهدا نیازی به ذکر ندارند اما فیل است، هر از گاهی یاد هندوستان می‌کند!

یعنی می‌شود برگشت به همان موقع دشمن معلوم باشد، دوست معلوم دل‌ها با هم باشند ... همه مواظب هم باشند همه با هم دوست باشند هیچ کس برای قدرت نجنگد هیچ کس برای دنیا نجنگد یعنی می‌شود بادی بوزد از سمت شهدا و این همه دروغ و دورویی را بشوید و ببرد این همه تظاهر و ادعاها را این همه فاصله‌ها را یعنی می‌شود ... من که می‌گویم می‌شود مگر نه شهدا زنده‌اند آن که دیگر دروغ نبود مگر نه خدا هست آن که دیگر دروغ نیست

خدایا کمک‌مان کن می‌خواهیم بایستیم با همین پای شکسته‌مان نمی‌خواهیم ناله کنیم نمی‌خواهیم تنها نبق بزنیم می‌خواهیم بایستیم

مثل همان شهیدان

ای دوی نخوت و ناموس ما ای تو افلاطون و جالینوس ما رضا قاسم پور

احتمالاً از منظر عشق و عرفان مولوی (شکسپیر شرق) بزرگ ترین شاعر تمام دوران هاست و هیچ شاعر و اندیشمندی را یارای هموردی با این قله قاف نیست. در احاطه شگرف و اشرف بی نظیر مولانا به ظرایف عشق ورزی و مراتب عرفان همین بس که هزاران مولوی پژوه ترک و فارس و رومی و... صدها سال

است که در حال کندوکاو در زوایای پید و پنهان خلوت وی با شمس تبریزی و آثار جاودان حاصل از این ارتباط اند. دکتر مصطفی ملکیان در تحلیلی مراتب عشق در مولانا به سه نوع عشق اروس، فیلیا و آگاهیه اشاره کرده و نهایتاً به این نتیجه می رسد که مولوی بر هر سه نوع احاطه و توجه داشته ولی نهایتاً خود سبکی نوین و در تراز بالاتر و بالاتر از آنها به بشریت اهدا می کند.

- عشق اروتیک یا اروس
عشق اروتیک با زیبایی سر و کار دارد و بزرگ ترین نظریه پردازش افلاطون می باشد، میل به دیدار زیبایی حقیقی - عشق فیلیایی
عشق فیلیایی عشقی است که در آن خواستن چیزهای خوب برای کس دیگری است و فقط برای آن کس دیگر. ارسطو بزرگ ترین مدافع و نظریه پرداز عشق فیلیایی است.
- عشق آگاهیه (عشق نامشروط)

به قول دکتر ایرج شهبازی عشق نامشروط آن است که به دیگری به صرف انسان بودن عشق بورزیم، به دور از جنسیت، قومیت، مذهب و مسلکش. در این نوع از عشق توقع سپاس، پاداش و تقدیر و... در برابر عشق ورزی و نیکی نیست. چرا که زندان سپاس و تقدیر فرو کاستن انسان ها به مرحله استفاده ابزاری از آنهاست. بی علت و بی غرض شکارچی مهربانی و محبت اند.

شهبازی روابط انسان ها را در سه دسته سلطه جویانه، عادلانه و عاشقانه تقسیم بندی کرده می گوید:
□ در روابط سلطه جویانه رقابت، تجاوز و خودخواهی مستولی بوده و رابطه (برد - باخت) است و در درازمدت آرامش و اعتماد را از انسان سلب می کند و روح و روان را در پیله تنهایی و بحران ها گرفتار خواهد کرد.
□ در روابط عادلانه بین انسان ها به پیروزی و کامیابی خود و مخاطب توجه می شود و رابطه (برد - برد) بوده و محصول آن آرامش، شادابی و اعتماد خواهد بود.
□ در روابط عاشقانه اساس رابطه بر احساس دیگرخواهی و نوع دوستی استوار است و قلب شخص برای دیگران می تپد. مخاطبان این نوع رابطه به قول سعدی شیرین سخن؛ مشتریان دکان بی رونق اند.
از نمادهای عشق نامشروط می توان به خدا، مادر، باران، زمین، دریا و آفتاب عالمتاب اشاره نمود.

- هفت پند مولوی:
در شهر قونیه در قالب سفال، تابلو و... هفت پند جاودانه از آثار متکثر مولوی استخراج و ثبت و ضبط شده است. این هفت پند در واقع می تواند کلید جاودانگی بشر تلقی گردد. این خصال بالای انسانی در بزرگانی چون نلسون ماندلا و گاندی هویداست:

- در سخاوت و کمک به دیگران رود باش
- در مهر و دوستی خورشید باش
- در بخشش خطاها شب باش
- هنگام خشم مرده باش
- در فروتنی زمین باش
- در هماهنگی با دیگران دریا باش
- خودت باش؛ همانگونه که می نمایی.
- و در جای دیگری از دیوان شمس می خوانیم:
«حسن یوسف قوت جان شد سال قحط
آمدیم از قحط ما هم سوی تو»

در اساطیر و در تفاسیر عرفانی، مانند تفسیر سور آبادی، آمده است که در هفت سالی که در زمان حکومت یوسف در مصر قحطی وجود داشت، هر روز صبح همه مردم گرسنه از خانه بیرون می آمدند؛ چون چیزی برای خوردن نداشتند، به کنار کاخ یوسف می آمدند و یوسف هم روی پشت بام کاخ می نشست و مردم تا شب او را می نگریستند و از زیبایی او سیر می شدند و شب سیر به خانه هایشان بازمی گشتند و فردا صبح دوباره گرسنه می شدند؛ یعنی یوسف با زیبایی خود مردم را سیر می کرد. مولانا می گوید: «حسن یوسف قوت جان شد سال قحط»؛ در سال قحط زیبایی یوسف قوت جان مردم شد و اکنون ما هم از قحط به سوی تو آمدیم. ولی ادعای مولانا این است که عشق نخوت و ناموس آدمی را درمان می کند:

«ای دوی نخوت و ناموس ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما»

عشقی که در آن همه اجزای جهان عاشق اند، عشق خدا به ما هم از این مقوله است و همه بدی ها را در انسان ها زائل می کند. و نهایتاً به قول آگوست کونت جامعه شناس قرن نوزدهم: «ما محکوم به تربیت فرزندان هستیم که برای دیگران زندگی کنند و نه برای خودشان.»
چهل قاعده شمس صوفی در رمان شهریار ملت عشق نیز برای درک بهتر هستی است. فرمول هایی برای درک چیستی، چرایی و چگونگی ذات آفرینش. البته این قواعد به هیچ وجه قابل ادراک در مخیله زاهد خشک مقدس و قاضی القضاات (در پوسته دین مانده) هیچ دوره ای نیست. به راستی چند درصد از ما می توانیم با ذبح منیت و قربانی کردن منافع شخصی به نفع اجتماع از مرحله صفر مرز نفس اماره به سلامت صعود کنیم؟ این بار شمس تبریز از کدامین گوشه جهان بر بر که های راکد زمان طلوع کرده و شور و شوریدگی نثارمان خواهد کرد؟
به قول حضرت مولانا:

ای عشق
برادرانه
پیش آ
بگذار
سلام سرسری را...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



دود منطق باینری در چشم منافع ملی دکتر سید قائم موسوی

- سالهاست که هژمونی منطق کلاسیک بر سپهر سیاسی ایران دو قطبی های هزینه بری را بر کشور تحمیل کرده است. این دو قطبی به تمامی شئون کشور را درگیر خودش کرده است.
- خودی - غیر خودی، انقلابی - ضدانقلابی، داخلی - خارجی، مذاکره - عدم مذاکره،

گرگ - گوسفند و قس علی هذا!

گزاره هایی مانند این جمله را در نظر بگیرید: آنها که از مذاکره صحبت می کنند، یا احمق اند یا خائن!
- تازه از نظر خودشان توصیف حامیان حل و فصل اختلافات از رهگذر حماقت، نوعی خوش بینی نسبت به آنهاست و این تساهل را باید نقطه ی مثبتی به حساب آورند. برونند شاگرد باشند که کمی در مورد آنها تساهل به خرج دادند. فی الواقع در ضمیر آنها، این عده همان ایادی خائنی هستند که در راستای منافع استکبار و استعمار در داخل پادوئی می کنند و دنباله ی آنها محسوب می شوند.
- دو گانه سازی و استیلای ذهنیت قطب گرایی جوهر و مشخصه ی اساسی منطق کلاسیک ارسطویی است. احمق یا خائن! سفید یا سیاه! روز یا شب! در مسلک آنها نمی شود کسی بر مبنای جنبه های معرفت شناختی و نشانه های عینی آنچه در کشور می گذرد و بر همه عیان است، ایده ای غیر از نظر آنها داشته باشند و خائن یا احمق نباشند! رمز موفقیت، نگاه به داخل است. نمی شود رمز موفقیت نگاه به داخل و خارج توأمان باشد؟! نمی شود هم از فرصت های داخلی استفاده کرد و هم از فرصت های خارجی!

- بی توجهی به چندوجهی بودن مسائل و اصرار بر این یا آن موجب می شود که دست آخر همین این آسیب ببیند همان آن! از اینجا رانده از آنجا مانده!
- ساده ترین فرمول برای پاک کردن صورت مسئله و فراتر از آن خلع سلاح منتقدین توسل به مکانیزم منطق دو ارزشی است. این منطق که وارث ارسطوست، قرن هاست گریبان بشر را گرفته است و خسارت های بی شماری را به انسانیت تحمیل کرده است. یا با ما یا علیه ما. هر کس با ما نیست، قهراً علیه ماست! میانه ای در کار نیست! این منطق از ریزترین تعاملات شخصی تا کلان ترین مسائل بشری را در بر می گیرد!

- بحران سیاست خارجی و مذاکره در قاموس ادبیات سیاسی ایران اکنون به یک مفهوم «مسئله ساز» تبدیل شده است. تحلیل روانشناختی آن از سابقه ی ذهنی و حافظه ی تاریخی ایرانیان نشئت می گیرد. به عقب که برگردیم تلقی ایرانیان از مذاکره به شدت پهلوی به «سازش» می زند. مفهومی که به شدت بار ارزشی منفی پیدا کرد. سازش به معنی توافق پیرامون مشکل طرفینی معنی نمی شود، بلکه مراد از سازش، تسلیم است.
- بر همین مبناست که ایران تا مجبور نشد، سر هیچ میز مذاکره ای ننشست. هر چه خسران متوجه تمامیت ارضی و منافع ملی کشور شد، نیز از رهگذر همین دتر مینیسم مذاکراتی بوده است. تمامی معاهدات و قراردادهای تاریخی ایران را توروک کنید، رد پای بی توجهی به عنصر زمان و ضرورت (ناچاری از) مذاکره در شرایط نابرابر، مبرهن و برجسته است. برای نمونه، مضمون قطعنامه ۵۹۸ اگر بعد از فتح خرمشهر پذیرفته می شد، چقدر متفاوت بود یا بحران گروگانگیری اگر در هفته های اول رفع می شد چقدر تفاوت داشت؟! و...

- کسانی که قائل به حل و فصل مشکلات سیاست خارجی کشور از کانال دیپلماسی هستند، نه احمق اند و نه خائن! برعکس هم عاقل اند و هم میهن دوست! منطق نگاهشان نیز به شدت منبعث از ایتیم های واقعیات عینی کشور است. می بینند زیر پوست شهر، تورم، فقر، فساد، اشتغال، فشار تحریم ها چگونه بر سر مردم آوار شده اند!

- می بینند که فلاکت اقتصادی و قیمت های مرغ و تخم مرغ و روغن روند معمولی زندگی شان را بهم ریخته است! مسئولان نیز برای شکم های گرسنه ابو عطا می خوانند! ابوعطایی هایی بر شالوده ی سالوس و تناقض! مردم را به تحمل رنج فرا می خوانند، خود اما زندگی فاخرانه دارند!

- به نظر می رسد بهترین تدبیر (علیرغم نظر نگارنده) برای فهماندن نادرستی منطق نهفته در دو گانه ی احمق - خائن، استفاده از آنتروپی همین منطق علیه خودشان است. چیزی که در اظهارات آقای مطهری تا اندازه ای مستتر است!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

.....
سال سوم
شماره ۲۵
هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

اخبار حزب



احمد حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران در گفتگو با رویداد ۲۴ در باره انتخابات ریاست جمهوری گفت: در انتخابات ریاست جمهوری فعالیتی نخواهیم داشت

در بخشی از این گفتگو حکیمی پور با بیان اینکه رفتارهای مسئولین و مجلس و شرایط موجود باعث از بین رفتن امید و انگیزه در جامعه شده است، تصریح کرد: این بی انگیزگی مردم روی احزاب هم تأثیر گذاشته است. انتخابات زمانی شور و نشاط دارد که مردم بدانند با رأی دادن حق و حقوقشان احیا می شود و مطالباتشان پیگیری می شود. اما زمانی که می دانند خروجی انتخابات تأثیری روی زندگی شان ندارد رأی هم نمی دهند. از سوی دیگر واقعیت این است که به احزاب بهایی داده نمی شود و حزبی بودن به یک ضد ارزش و رد صلاحیت تبدیل شده است، همگی این مسائل باعث عدم وجود شور و نشاط در جامعه و احزاب شده است. وی ادامه داد: شورای مرکزی حزب اراده ملت همان طور که در تابستان جلسه ای را برگزار کرد، بیشتر به دنبال مطالبات خرد است و در حوزه سیاست خرد فعال هستیم و سعی داریم مطالبات محلی - منطقه ای مثل شورا را پیگیری می کنیم و در انتخاباتی مانند ریاست جمهوری فعالیتی نخواهیم داشت. اخیراً هم ساز و کار اجماع وحدت ساز ایجاد شده و از این رویکرد استقبال می کنیم، زیرا باعث رفع ضعف ها و ایرادها می شود.

این فعال سیاسی با بیان اینکه نمی توانیم از الان در خصوص گزینه اصلاح طلبان برای ریاست جمهوری صحبت کنیم، گفت: سیاست در ایران قابل پیش بینی نیست و ممکن است در دو هفته پایانی رقابت ها، ورق برگردد و شرایط کاملاً تغییر کند. متأسفانه سیاست دقیقه ۹۰ در ایران شرایط را سخت کرده است.



برگزاری جلسه شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران
اسماعیل مختاری سخنگوی حاما شد

به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت، جلسه شورای مرکزی حزب اراده ملت به صورت مجازی با حضور اکثریت اعضا برگزار شد. در این جلسه اعضای هیأت اجرایی (مسئولان کمیته های اجرایی) و اعضای دفتر سیاسی حزب تعیین شدند و اسماعیل مختاری رئیس پیشین ستاد انتخاباتی حاما نیز به عنوان سخنگوی حزب انتخاب شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹

افشین فرهانچی رئیس ستاد انتخاباتی حزب اراده ملت شد
به گزارش روابط عمومی حزب اراده ملت طی حکمی از سوی احمد حکیمی پور دبیر کل حزب افشین فرهانچی قائم مقام دبیر کل حزب به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی حاما در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا منصوب شد.



سرپرست سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج:
برای اولین بار در کشور طرح احداث بازار مبادلاتی پسماندهای خشک اجرا می شود
بی خطر سازی پسماندها برای حفاظت از محیط زیست
محمد مسیبی سرپرست سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج و عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت در گفتگو با روزنامه سازندگی گفت: برای حفاظت از محیط زیست به دنبال بی خطر سازی پسماندهای عفونی بیمارستان ها در سایت حلقه دره کرج هستیم.
مشروح کامل این گفتگو در روزنامه سازندگی قابل مطالعه است



خالی کردن جیب مردم در قمارخانه‌های مجازی!
ایسنا/همدان؛ مدتی است فعالیت سایت‌های شرط‌بندی، پیش‌بینی، پوکر و کازینو در ایران به همت و برکت بسیاری از شاخ‌ها و برخی سلب‌ریتی‌ها و بلاگرهای اینستاگرامی حسابی رونق گرفته و سرشاخه‌های اصلی این مافیای سیاه، روزانه رقم‌های میلیونی از دار و ندار مردمی با رویای «میلیونر شدن در یک شب» را به جیب می‌زنند.
همین سرشاخه‌ها با نوشتن سناریوهای، نمایش‌هایی را در فضای مجازی و به‌ویژه اینستاگرام راه می‌اندازند تا عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی خود را همچنان شاخ اینستاگرام‌نگه‌دارند و از طریق آن‌ها بتوانند مافیای خود را اداره و گسترش دهند.
اما بهتر است ابتدا نگاهی به تاریخچه قمار و قماربازی در ایران بیندازیم. به گفته یک جامعه‌شناس، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گرچه قمارخانه‌های رسمی و غیر رسمی تعطیل شد اما باورهای فرهنگی ناشی از اقتصاد سیاسی مبتنی بر چپاول که ریشه در فرهنگ قدیمی کشور داشت، همچنان زبر پوست و فرهنگ جامعه به کار خود ادامه می‌داد.

حمید خاورزمینی پژوهشگر اجتماعی و بازرس حزب اراده ملت ایران در گفت‌وگو با ایسنا، به ناپدید شدن این باورها در عصر نخست پس از انقلاب که در تمامی انقلاب‌های کلاسیک جهان وجود دارد اشاره و اظهار می‌کند: این باورها با عنوان اصل تقوا و وحشت در عصر نخست پس از انقلاب اسلامی به محاق رفته بود اما موضوع بانکداری اسلامی که ممنوعیت پرداخت سود حساب بانکی را در پی داشت، افراد را از پس‌انداز در بانک‌ها بازداشت و موجب تضعیف نظام بانکی و نیز تورم شد بنابراین سیستم بانکی به ابداع روش‌های جذب مشتری پرداخت و با استفاده از روش قرعه‌کشی با تأکید بر شانس افراد، به اهدای هدایایی متناسب با میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها پرداخت.

شعله‌ور کردن آتشی پنهان در ذهن افراد برای کسب ثروت بادآورده به گفته خاورزمینی، به علت رخنه کردن تقلب در قرعه‌کشی‌ها، دستگاه‌های نظارتی با نظارت بر آن، به فرایند مبتنی بر شانس افراد جنبه قانونی محکمی دادند اما در دهه دوم و سوم پس از انقلاب، ورود شانس‌های در قالب لپ‌لپ به بازار، پدیده رجوع به شانس برای ثروتمند شدن را افزونی بخشید. شاید این موارد به‌ظاهر مهم به نظر نرسد اما پلی شد میان شانس‌گرایی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن!
این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: مسئولان این امر گمان می‌کردند که به علت تحت کنترل بودن، این پدیده‌ها آسیبی ایجاد نمی‌کنند و یا فروش شانس‌های کودکانه موضوع مهمی نیست اما در واقع این پدیده‌ها نقش مهمی در دمیدن و شعله‌ور کردن آتشی پنهان در ذهن افراد برای کسب ثروت بادآورده ایفا می‌کرد که نه تنها روح شانس‌گرایی را زنده و موجه نگه می‌داشت بلکه در شکل‌گیری شخصیت کودکان نیز بسیار مؤثر بود.

سلب‌ریتی‌ها و بلاگرهای اینستاگرامی؛ حلقه مفقوده قمارخانه‌های مجازی
او معتقد است که ممنوعیت افتتاح قمارخانه‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی، بساط بسیاری از قماربازان را جمع کرد، از طرفی فعالیت قماربازانی که به قمارخانه‌های پنهان راه داشتند، به علت ترس از غیرقانونی بودن آن و روبرو شدن با افراد خلاف کار و خطرناک محدود شده بود اما پس از گسترش فضای مجازی و افزایش استفاده از گوشی‌های هوشمند، قمار و قماربازی در لباسی دیگر به خانه‌های مردم راه یافت و به دنبال آن قمارخانه‌های مجازی به علت حذف درگیری فیزیکی بین افراد و با مواجهه با قانون، مورد استقبال بسیاری از افراد جامعه با سودای ثروت بادآورده قرار گرفت.
خاورزمینی ادامه می‌دهد: این سفره پهن شده، راه را برای کسانی که از رانت‌های اقتصادی بی‌ بهره مانده بودند، هموار کرد تا شانس خود را برای کسب ثروت‌های یک‌شبه بیازمایند و سرخوردگی بخشی از جامعه به‌واسطه انتشار اخبار اختلاس و دزدی، زمینه‌ای برای اعتماد به این سایت‌ها ایجاد و حضور و همکاری بسیاری از سلب‌ریتی‌ها و بلاگرهای اینستاگرامی با آنها، عنصر مفقوده این حلقه را تکمیل کرد.
او با بیان اینکه قمار روحیه کار، کارآفرینی، نوآوری و کسب پول تمیز را از بین می‌برد، می‌گوید: قمار یکی از اعتیادآورترین پدیده‌های موجود است به‌طوری‌که هیچ اعتیادی قادر نیست در عرض چند دقیقه تمام هستی فرد را به یکباره از او بستاند اما قمار این ویژگی خطرناک را دارد و مبتلایان به آن زمانی دست از قمار می‌کشند که دیگر چیزی برای قمار کردن نداشته باشند و در نخستین فرصت و پس از به دست آوردن نخستین امکان برای شرکت در قمار دوباره به آن روی می‌آورند.

معضلات قمارخانه‌های مجازی
به گفته این جامعه‌شناس، حضور افرادی با سنین متفاوت در قمارخانه‌های مجازی یکی از معضلات این قمارخانه‌هاست و نگرانی از تبعات امنیتی و ناموسی در این زمینه وجود ندارد، از طرفی امکان هک و دسترسی به حساب اشخاص سهل‌تر شده و به علت عدم داشتن مجوز قانونی، نظارت دستگاه‌های سایبری ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی در آنها وجود ندارد پس امکان سوءاستفاده در آنها بسیار زیاد خواهد بود.
او با اشاره به برنامه ریزی‌های الکترونیکی این قمارخانه‌های مجازی که به‌منظور جذب افراد طراحی شده است خاطر نشان می‌کند: تجربه نشان می‌دهد برخی افراد با ورود به قمارخانه‌ها در فضای حقیقی و با مشاهده مکان و افراد قمارباز و بافت‌های نخستین، به ناگاه برای همیشه با قمار و قماربازی خداحافظی می‌کنند اما در مورد قمارخانه‌های مجازی چنین چیزی صدق نمی‌کند.
عدم آگاهی بسیاری از خانواده‌ها از وجود قمارخانه‌های مجازی
این فعال فرهنگی، اجتماعی از عدم آگاهی بسیاری از خانواده‌ها در مورد وجود چنین قمارخانه‌هایی به‌ویژه در دوران خانه‌نشینی به علت شیوع بیماری کرونا خبر می‌دهد و تأکید می‌کند: این خانواده‌ها گمان می‌کنند که فرزندان در منزل از آسیب‌های اجتماعی در امان است در حالی که این آسیب نه تنها اجتماعی بلکه روانی و اقتصادی نیز است و نیازمند کنترل هوشمندانه فرزندان در امور مختلف حتی در منزل، نه به شکل و سبک و سیاق سنتی، بلکه با روش‌های جدید و کمک متخصصان علوم تربیتی در این زمینه است.

او یادآور می‌شود: تجربه نشان داده که توضیح علمی این آسیب‌ها بسیار مؤثرتر از نصایح سنتی و حتی نصایحی در قالب‌های مذهبی و توصیه به هنجارهای رسمی جامعه است. در دولت نیز وجود دستگاه‌های نظارتی و رصد فضای مجازی با حساسیت بیشتر، می‌تواند مانع از گسترش قمارخانه‌های مجازی شود چراکه این قمارخانه‌ها منجر به سرقت، اعتیاد، ترویج بزه‌های جنسی، سرقت‌های اینترنتی و در نهایت فقر و هلاکت فرد و خانواده او خواهد شد که همه این عواقب برای حکومت بار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد.

رسانه نقشی مهم در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند
خاورزمینی نقش رسانه‌های عمومی چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی را بسیار مهم و تأثیرگذار می‌داند و می‌گوید: نقش رسانه در پیشگیری از آسیب‌های خطرناک بازی‌هایی همچون نهنگ ابی و اپلیکیشن جو جو نتایج بسیار خوبی را ایجاد کرد و در شرایط فعلی و با تعطیلی مدارس، نقش رسانه‌ها پررنگ‌تر شده است.

او معتقد است که سینمای هالیوود با تولید فیلم‌هایی مبتنی بر سرقت، جستجوگران طلا و گنج و یا حتی خریداران بلیط‌های بخت‌آزمایی، سبب جلوگیری از بسیاری از آسیب‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در جامعه خود شده است به‌طوری‌که در پایان فیلم، کاراکتر موردنظر به همان نقطه‌ای که در ابتدای فیلم قرار داشته، می‌رسد و از هیچ‌یک از امکانات و رفاهیات زندگی بهره‌مند نخواهد شد و از طرفی به‌صورت غیرمستقیم کار و تولید را به‌عنوان تنها راه کسب ثروت به‌بیننده معرفی می‌کند.

این فعال فرهنگی، اجتماعی خاطر نشان می‌کند: یعنی این رسانه همچنان که در استثمار کشورهای جهان سوم نقش بی‌بدیلی ایفا کرده و توانسته جاده‌صاف‌کن نظام سرمایه‌داری در این کشورها باشد، توانسته به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه خود جلوگیری کند.



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

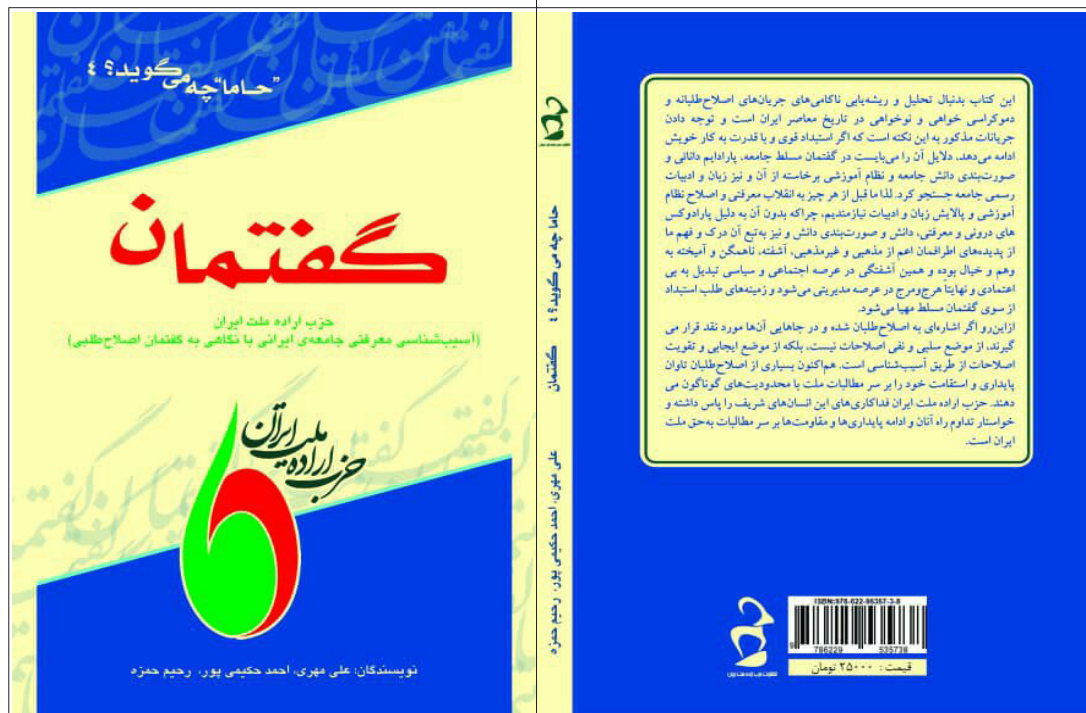
شماره ۲۵

هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

..... سال سوم
..... شماره ۲۵
..... هفته سوم دی ماه ۱۳۹۹





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹